



انترناسیونال ۴۱۱

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۷ مرداد ۱۳۹۰، ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سر دبیر: کاظم نیکخواه

از "خط پنج" تا بانک جهانی!



صفحه ۷

لازم است به این سؤال پاسخ گفت که علل و زمینه های سیاسی طرح چنین نظراتی در جامعه و در جنبش کارگری چیست؟ آیا این نظرات دارای سابقه ایست و گرایشی را نمایندگی میکند و اگر جواب مثبت است چه گرایشی؟ قصد این نوشته پاسخ به

مختلفی از طرف رفقای حزبی پاسخ درخور و محکمی گرفته است. اما به نظر من هنوز جا دارد این نوع موضع گیریهای پرو رژیم بر متن شرایط سیاسی عمومی و روند جنبش کارگری در ایران مورد بررسی قرار بگیرد.

حمید تقوایی

اخیرا نظراتی علیه مجمع عمومی و در دفاع از طرح حذف یارانه ها و حمایت از سیاستهای اقتصادی دولت احمدی نژاد به اسم کارگر و دفاع از منافع کارگران مطرح شده و از جوانب

انتخابات نمایشی، نزاعهای واقعی

واقعی



کاظم نیکخواه

هیچ چیز مسخره تر از سخن گفتن از انتخابات در جمهوری اسلامی نیست. همه کس میداند که انتخابی در کار نیست. رایبی شمرده نمیشود و کسانی را از صندوق های رای بیرون میکشند و به مجلس کذایی گسیل میکنند تا در آنجا تازه بنشینند و دست به توطئه گری و خزعل گویی بزنند. بویژه با خیزش توده ای که در پس مضحکه انتخاباتی سال ۸۸ به جریان افتاد امروز کسی در این دنیا نیست که ذره ای از سیاست سر در آورد و نداند که صحبت از انتخابات در جمهوری اسلامی مسخره است. اما در عین حال هر بار همین "انتخاباتهای" جمهوری اسلامی به موضوع داغی تبدیل میشود. دلیلش هم این است که در مقطع این نمایش انتخاباتی دعوای و نزاعهای درونی حکومت که همیشه به وفور وجود دارد، اوج میگردد و سرباز میکند و توجه ها را به خود جلب میکند. زیرا نفس اینکه چه افرادی از صندوق ها بیرون کشیده شوند و برنده اعلام شوند خود موضع نزاع و توازن قوای طرفین است. این روزها بحث انتخابات مجلس نهم داغ شده است. آنهم در شرایطی که باند حاکم دو شقه شده است و طرفین در برابر هم صف آرایی کرده اند. بخشی از به اصطلاح "اصولگرایان" مخالف احمدی نژاد صف خود را جدا کردند و جناح تازه ای را تحت عنوان "جبهه پایداری" تشکیل دادند. کسانی همچون مصباح یزدی و حداد عادل از پایه گزاران این جبهه جدید هستند و تلاش میکنند نیروهای مخالف دولت را گرد هم آورند و متحد کنند. حداد عادل در اولین نشست این جبهه میگوید احتمال شکست اصولگرایان در انتخابات بعدی وجود دارد. بنظر من نفس این نوع اظهار نظرات نیز یک بازی برای بازار گرمی است. من از همینجا به ایشان اطمینان صفحه ۶

انقلاب مصر در تلاش برداشتن گام های بعدی

جمال و علا و همچنین وزیر کشور دولت مبارك حبیب العدلی به جرم کشتار و چپاول، قرار است روز سوم اوت یعنی يك هفته دیگر آغاز شود. مبارك اعلام اعتصاب غذا کرده است. طنطنای رئیس شورای

صفحه ۲

نفر زخمی شدند. علیرغم این، تظاهر کنندگان دولت نظامی را مجبور کردند که ۱۴ وزیر خود را که سابقه خدمت به حکومت مبارك را داشتند کنار بزنند و برخی خواستهای دیگر انقلاب را عملی نماید. محاکمه حسنی مبارك و دو پسرش بنامهای

هرروز در این میدان جمع میشوند و سخنرانی ها و بحثها و کشاکش ها مدام جریان دارد. در درگیریهایی که هفته گذشته صورت گرفت ارتشی ها و لباس شخصی ها به جمعیت تجمع کننده حمله کردند و حدود ۳۰۰

کاظم نیکخواه

حدود ۵ ماه پس از به زیر کشیدن حسنی مبارك از قدرت، جامعه مصر در التهاب و کشاکشی فزاینده و حاد بسر میبرد. میدان التحریر دوباره هرروز ولوله است و هزاران نفر

در مورد جنگ جمهوری اسلامی و پژاک در کر دستان

گفتگو با محمد آسنگران

چيست؟ محمد آسنگران: درگیری نظامی نیروهای مسلح رژیم با مخالفین موضوع و ابعاد این تحركات نظامی

صفحه ۳

اند و مردم زیادی آواره شده اند. میشود در مورد جوانب این درگیریها توضیح دهید و بگویید که موضوع و ابعاد این تحركات نظامی

به گزارشهای منتشر شده نیروهای جمهوری اسلامی دست به توپ باران و خمپاره باران مناطقی از کردستان عراق زده

انترناسیونال: جنگ و درگیریهای نظامی در مناطق مرزی کردستان عراق و ایران مدتی است که شروع شده و بنا

قتل عام نروژ توسط سرباز جنگ صلیبی

بهر روز مهرآبادی، صفحه ۴

در مورد جنایت فاشیستی در نروژ

حسن صالحی، صفحه ۱۲

بازتاب هفته

دادگاههای علی و "مجتهدین شجاع" نیز دیگر اثر ندارد

اعدام کودک ۸ ساله توسط طالبان

بهر روز مهرآبادی

انقلابات منطقه در یک نگاه

سوریه، مصر، مراکش، بحرین، لیبی، یمن

محمد شکوهی

صفحات ۵-۶

صفحات دیگر

اطلاعیه در محکومیت جنایت تروریستی در نروژ

صفحه ۱۲

تجاوز دسته جمعی به خاطر "حس مذهبی"

یا شار سهندی، صفحه ۸

چند خبر از اعتراضات کارگری در ایران، صفحه ۱۰

اعتراض مردم به اوضاع بد اقتصادی در اسپانیا

صفحه ۱۲

محاکمه و زندان علیه فعالین کارگری، صفحه ۹

دعوت وبلاگ نویسان جوان عرب به ...

هنر شان، کشتن است و بس!

مینا احدی، صفحه ۱۱

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



کشاکش انقلاب با جنبش اسلامی و محافظه کار

از ابتدای شکل گیری و به جریان افتادن انقلاب در مصر، تمام صف انسانیت با نگرانی منتظر این بود که جریانات اسلامی و در راس آنها "اخوان المسلمین" چه نقشی ایفا میکنند. غالب پیش بینی ها این بود که اینها بدلیل قدیمی بودن و سازمان یافته بودن و گسترده بودن، میتوانند بر جریان انقلاب سیطره یابند و آثرا به انحراف و شکست بکشانند. در صف اپوزیسیون مبارک نیرو و حزب و جریان شناخته شده دیگری مشاهده نمیشد. اما در کمال تعجب همگان، جنبش اسلامی در حاشیه ماند و بهتر است بگوییم به حاشیه رانده شد و انقلاب توسط نیروهایی هدایت شد که جوان بودند، رادیکال بودند، سکولار بودند، و در عین حال به مفهوم سنتی آن متشکل نبودند و حزبی نداشتند. در جایی من عبارت "انقلاب در انقلاب" رژی دبره را برای این انقلاب بکار بردم. این انقلاب تا اینجا تا حد زیادی منحصر بفره بود. البته تمام انقلابات مهم تاریخی جنبه های مهم خود ویژه ای تاکنون از خود نشان داده اند. اما همگی از یک فاکتور برخوردار بوده اند. و آن رهبری ای متشکل و سازمان یافته و شناخته شده است. انقلاب مصر، و میتوان گفت انقلابات این دوره در خاورمیانه از این نظر نیز خود ویژه هستند. هنوز که هنوز است چهره ها و کاراکترهای اصلی انقلاب مصر در سطح وسیع شناخته شده نیستند. بهرحال تا آنجا که به جریان اسلامی مربوط میشود جریان اخوان المسلمین در ضعیف ترین حالت خود ظاهر شد. و این ناشی از سیاستهای محافظه کارانه و ارتجاعی آن بود. این جریان از همان ابتدا تلاش کرد به سازشی با رژیم مبارک برسد. با عمر سلیمان که بورژوازی در مرحله اول او را پیش کشیده بود، وارد مذاکره شد. وقتی که عمر سلیمان را انقلاب کنار زد، اخوان المسلمین با نظامیان و بقایای هیئت دولت مبارک بطور تلویحی کنار آمد، و این جبهه رادیکال و چپ و سکولار بود که قدم به قدم جنگید و انقلاب را تا اینجا به پیش کشید. اکنون نیز کشاکش چپ و راست در مصر جریان دارد. اسلامی ها روی

از صفحه ۱

انقلاب مصر در تلاش برداشتن ...

کار شورای نظامی کنونی تغییر مسیر و یا منحرف کردن انقلاب مصر است. اینها بعید است که بتوانند برای مدتی بیش از موعده تعیین شده بعنوان دولت سر کار بمانند. اما ماموریتشان اینست و تلاش میکنند که رویدادهای بعدی را کنترل کنند، در تعیین و نحوه فرموله کردن قوانین بعدی تاثیر بگذارند، در جلوگیری از تغییرات و زمامداران بعدی اعمال نفوذ کنند، و در عین حال ارتش و بخشهای دیگری از حکومت مبارک را بعنوان یک رکن حکومت بعدی نگه دارند.

اما در یک سطح پایه ای مانع اساسی در شرایط کنونی ارتش و شورای نظامی حاکم نیست. اینها همانگونه که گفتم محصول ناتمامی و ناروشنی انقلابند. جبهه انقلاب اگر عزم کند میتواند یک شبه این ها را کنار بزند. مساله اساسی همین عزم کردن است. مساله اساسی اینست که نیروی انقلاب پلاتفرم روشن و شفاف خود را داشته باشد. اکنون انقلاب به جایی رسیده است که باید فراتر از نفی حکومت سابق، کل نظام موجود را نفی کند. باید بگوید چه تحولات اساسی ای می خواهد. باید بگوید به جای حکومت ناسیونالیست و دیکتاتوری و سرمایه داری و مذهبی سابق چه چیزی را میخواهد بنشاند. سیاست نه گفتن به این و به آن بقایای حکومت مبارک دیگر کافی نیست. و آنچه که (از دور) مشاهده میشود اینست که صف نیروهای رادیکال و کارگری و انقلابی پلاتفرم اثباتی روشنی برای آینده و نظام آینده ندارد. اگر بخواهیم دقیق تر بیان کنیم اینست که نه فقط سبیلها و بقایای رژیم مبارک، بلکه کل نظام سیاسی و حقوقی و اقتصادی موجود را باید نفی کرد. در این صورت پلاتفرمهای اثباتی نیز به خودی خود روشن میشود. قطعاً بعنوان نوك تیز ارتجاع باید کل بقایای رژیم سابق را جارو کرد و جبهه انقلاب به نحو سازش ناپذیری دارد این مسیر را دنبال میکند. باید امیدوار بود که در بطن این تلاش به نفی کل نظام و نهادهای سرکوب و قوانین آن نیز بدون هیچ ابهام و سازشی پرداخته شود.

نظامیان، قدرتهای خارجی را عامل تداوم اعتراضات قلمداد کرده و میگوید "جاسوسها" و کشورهای خارجی که با مصر دشمنی دارند، پشت تظاهراتها و اعتراضات کنونی هستند. جوانان انقلابی در مورد فراخوان سرنگونی دولت نظامیان بحث میکنند. این روزها گروههای مختلف اپوزیسیون تلاش دارند با یک حرکت متحدانه مقابل شورای نظامی حاکم ظاهر شوند و همین جمعه ۲۹ اوت قرار است جریانات چپ و سکولار و اسلامی و طیفهای مختلف در یک حرکت واحد شرکت کنند و متحدانه علیه حکومت ابراز وجود کنند.

کشاکشها و جدال کنونی برای آینده مصر بسیار حیاتی و مهم است. این یک مبارزه طبقاتی است که جریان دارد و گرچه به صورت رو درروی مستقیم طبقه کارگر و بورژوازی خود را کمتر نشان میدهد، اما اساس مساله تقابل این دو طبقه اصلی جامعه است. سرنوشت جامعه مصر به نتیجه کشاکشهای کنونی گره خورده است. روشن است که انقلاب یک گام مهم و اساسی را برداشته است و آن سرنگونی حسنی مبارک دیکتاتور این کشور است. شورای نظامی که اکنون سرکار است نیز نه بعنوان یک حکومت نظامی، بلکه بعنوان یک حکومت انتقالی سر کار مانده است. این "شورا" ناچار است خود را مطیع فرمان انقلاب نشان دهد. این نیز خود مهم است. اینها نه همچون دار و دسته خمینی در سال ۵۷ تحت نام انقلاب به حکومت رسیده اند و نه با سرکوب انقلاب خود را در قدرت نگه داشته اند. اینها در واقع یکی از نتایج و شواهد متعدد ناتمامی و ناروشنی انقلابند. بورژوازی مصر (که دولتهای آمریکا و اروپا و دیگر قدرتهای درگیر در مصر نیز اینجا مورد نظر است) علییرغ تلاشها و توطئه هایی که به جریان انداخت، نتوانست "امام" و "رهبر" برای انقلاب مصر بترشد و تحمیل کند، اما خانواده مبارک و شماری از چهره های منفور رژیم را با شتاب کنار زد تا بتوانند مسیر انقلاب را تغییر دهند.

و همزاد پلاتفرمها و برنامه ها هستند. به درجه ای که بتوان شاهد فرموله شدن خواستهای آزادیخواهانه و انسانی و کارگری و چپ بود، میتوان مطمئن بود که تشکلهای متناسب با آنها نیز دارد شکل میگیرد. باید دید انقلاب مصر تا چه حد این معجزه را نیز از خود نشان میدهد و با سرعتی باور نکردنی پلاتفرم آینده و رهبری آینده اش را شکل میدهد. لازمه این جهش و تحول، قاعدتاً ارتباط با کل جنبش چپ و کارگری جهانی و استفاده از تجربیات و آموزه های تاریخی این جنبش است. در راس کل این پلاتفرم و در شرایط کنونی میتوان بر شاخصهایی تاکید گذاشت. جدا کردن مذهب از دولت و قوانین و آموزش و پرورش، آزادی بی قید و شرط بیان و اجتماع و تشکل و اعتصاب و آزادیهای سیاسی بی قید و شرط، حقوق رفاهی نظیر حق مسکن و بهداشت رایگان و بیمه های اجتماعی و تحصیل رایگان برای همه افراد، و اداره شورایی و مستقیم جامعه توسط مردم جنبه هایی از این پلاتفرم آینده را نشان میدهد که توجه و تاکید بر آنها میتواند انقلاب و جامعه آینده مصر را از شر ارتجاع و عقبگرد و اقلیت های مرتجع بطور قطع نجات دهد و فضایی ایجاد کند که جنبش چپ و انسانی بتواند به جامعه آینده مصر سیمایی آزاد و انسانی و مرفه بدهد. *

این حساب میکنند که اگر رای گیری و انتخاباتی صورت گیرد آنها به دلیل پایگاههای گسترده ای که بویژه در روستاها و محیطهای سنتی دارند، میتوانند اکثریت را بدست آورند. به همین دلیل میخواهند هرچه زودتر کار را به فراندوم و قانون اساسی و مجلس موسسان بکشانند و با بدست آوردن اکثریت، خود را در راس حکومت بکشانند و ختم کامل انقلاب را اعلام کنند. در مقابل آنها نیز جوانان رادیکال و انقلابی و کارگران و نیروهای انقلابی تلاش میکنند این تلاشها را خنثی کنند و اجازه ندهند ارتجاع و عقب ماندگی و حکومت مذهبی در مصر به قدرت برسد. این خیلی خلاصه آن چیزی است که از دور مشاهده میشود.

سوال اینست که آیا انقلاب مصر گامهای بعدیش نیز منحصر بفره خواهد بود؟ آیا جبهه چپ و سکولار و کارگری میتواند علییرغم فقدان رهبری و پلاتفرم روشن و چهره های کارسما تیک، انقلاب را به جلو سوق دهد و با نیروهای محافظه کار یعنی اسلامی ها و طیفهای راست لیبرال و سنتی و مذهبی مقابله کند و توطئه های آنها را خنثی کند؟ این سوالی است که جواب روشنی برایش وجود ندارد. شواهد بطور جدی ای بر این دلالت میکند که جای احزاب چپ و سوسیالیست و رادیکال خالی است. و اگر اتفاقی جدی و امید بخش بخواهد صورت گیرد، تشکیل فوری چنین احزابی است. احزاب معمولاً نماینده

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

در مورد جنگ جمهوری اسلامی و ... از صفحه ۱



مسلح در مناطق مرزی تقریباً هر سال در فصل بهار و تابستان اوج تازه ای میگیرد. اما به نظر میرسد که این بار ابعاد درگیری و اهدافی که جمهوری اسلامی از درگیری با پژاک تعقیب میکند وسیعتر و متنوع تر از سالهای قبل است. اینهم دلایل خاصی دارد. از یک طرف جمهوری اسلامی دچار اختلافات حاد داخلی جناح های خود است و میخواهد توجه ها را به مرزها جلب کند و قدرت نظامی و نیروی سرکوبش را به رخ جامعه بکشد و در عین حال احتمال به میدان آمدن گسترده مردم کردستان علیه حکومت اسلامی را هم با این اقدام سد کند. از طرف دیگر احزاب مختلف شریک در حکومت بغداد با همدیگر در یک کشمش دائمی بسر میبرند و جمهوری اسلامی میخواهد به نفع جریانات شیعی که متحد او هستند احزاب ناسیونالیست کرد را تحت فشار قرار دهد. در یک تصویر کلی این دو هدف اصلی جمهوری اسلامی در این جنگ است.

اما علاوه بر این اهداف کلی که به آنها اشاره کردم، جمهوری اسلامی به طور محدود و محلی اهداف دیگری را نیز دنبال میکند. هدف جنگ جمهوری اسلامی با جریان پژاک و پ.ک.ک در همان محدوده محلی هم به طور مشخص از یک اقدام تلافی جویانه نظامی فراتر رفته است. حمله جمهوری اسلامی به این مناطق مرزی همزمان و هماهنگ با حمله ارتش ترکیه به این مناطق که معروف به مثلث مرزی ایران، عراق و ترکیه است، آغاز شده است. خود این موضوع نشان از یک اقدام مشترک دارد. جمهوری اسلامی اعلام کرده است میخواهد این منطقه را "پاکسازی" کند. اما با توجه به همراهی واحدهای نظامی رژیم انصارالاسلام با نیروی نظامی رژیم در درگیریهای اخیر علیه پژاک و تلاش این جریان اسلامی در چند سال قبل برای مستقر شدن در این مناطق

و ممانعت پژاک و پ.ک.ک از آنها، ظن آن میرود که جمهوری اسلامی میخواهد جریانات اسلامی را در این منطقه حائل بین سه کشور مستقر کند.

ناگفته نماند که این موضوع در میان مردم و نیروهای سیاسی منطقه شایع شده و تا حدودی باعث نگرانی حاکمان کردستان عراق هم شده است.

لازم به یادآوری است در جریان این درگیریها، توپ باران روستاهای مناطق مرزی کردستان عراق به شدت ادامه داشته و نیروهای نظامی جمهوری اسلامی وارد خاک عراق شده اند. تاکنون بیش از هزار نفر از مردم این منطقه آواره و تعدادی کشته و زخمی شده اند. همزمان با این تحولات "علی بابا پیر رهبر جمعیت اسلامی" که در چند ماه گذشته یکی از متحدین جریان "گوران" بوده و به عنوان اپوزیسیون حکومت اقلیم کردستان عراق، خود را قاطبی اعتراضات بحق مردم کردستان عراق کرده بود و از قبل این فعالیتهای سعی داشت جا پای جریانات ارتجاعی و مزدور اسلامی را در کردستان عراق محکم کند، به ایران سفر کرده و گفته میشود که او در حال مذاکره با فرماندهان سپاه قدس است.

این تحرکات را اگر در متن تحولات منطقه مورد بررسی قرار دهیم ما را به این نتیجه میرساند که جمهوری اسلامی میخواهد در هماهنگی با ترکیه کمک کنند که به جای پ.ک.ک و پژاک که در این مناطق مرزی غیر قابل کنترل مستقر هستند، یک جریان اسلامی گوش به فرمان خود را در آنجا مستقر کنند که با هر دو حکومت اسلامی در ایران و ترکیه همساز باشد. اگر این تحول را بتوانند به سرانجام برسانند هم از مزاحمت پ.ک.ک و پژاک راحت میشوند و هم یک نیروی اسلامی گوش به فرمان میتواند در معاملات و بده بستانهای منطقه کارت بازی خوبی در اختیار آنها بویژه جمهوری اسلامی باشد. برخورد دو پهلو و مماشات جویانه طالبانی و بارزانی با جمهوری اسلامی و ترکیه نسبت به این درگیریها از اینجا ناشی میشود. زیرا آنها نه دل خوشی از پژاک و پ.ک.ک دارند و نه میتوانند در هماهنگی کامل با جمهوری اسلامی و دولت ترکیه در این اقدام شریک شوند. زیرا وجود پ.ک.ک و پژاک در

این منطقه حداقل نفعش برای احزاب حاکم در کردستان عراق این است که این مناطق مرزی به مکانی و جولانگاهی برای جریانات اسلامی رقیب آنها تبدیل نمیشود. اما منافع سیاسی و اقتصادی عمده ای با دولتهای ترکیه و جمهوری اسلامی هم دارند که نمیخواهند آنرا از دست بدهند.

انترناسیونال: به برخوردهای بارزانی و طالبانی اشاره ای کردید میشود بطور مشخص تر توضیح دهید سیاست و عکس العمل دولت عراق و احزاب و نیروهای دولتی کردستان عراق در این رابطه چه بوده است؟

محمد آسنگران: آنها ابتدا نظاره گر بودند و بعداً خیلی نرم و دوستانه خواهان پایان دادن به این حملات از سوی حکومت اسلامی به مردم ساکن در روستاهای مرزی شدند. در حالیکه طبق گزارش صلیب سرخ صدها نفر از مردم و ساکنین این مناطق آواره شده و اعلام شده است که برای ۸۰۰ نفر مردم آواره و بی سرپناه امکانات اولیه زیستی و غذایی ارسال کرده اند، مقامات دولتی حاکم در کردستان عراق هنوز رسماً اعلام نکرده اند که جمهوری اسلامی وارد خاک عراق شده است. در حالیکه ناامنی و توپ باران روستاهای این منطقه و قلدری حکومت اسلامی در این منطقه خواب آرام را از مردم گرفته است. همه خبرنگاران و شاهدان عینی بارها تاکید کرده و فیلم و گزارش مستند منتشر کرده اند که نیروهای جمهوری اسلامی وارد خاک کردستان عراق شده و صدها نفر از مردم آواره گردیده و چندین روستا خالی از سکنه شده است. حاکمین محلی کردستان عراق در ابتدا چند روز با سکوت و صبر و شکیبایی کامل، نظاره گر این اوضاع بودند. سپس مسئولین محلی به این حملات به اصطلاح اعتراض همراه با عجز و لابه خود را منتشر کردند.

مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان عراق، با انتشار بیانیه ای گلوله باران مناطق مرزی منطقه کردستان عراق توسط جمهوری اسلامی را محکوم کرد و از تهران خواسته بود که به جای "ایجاد رعب و وحشت"، از طریق "گفتگو" و "راهکارهای عملی" به حل مسائل بپردازد. فرماندهان نیروهای نظامی

کردستان عراق هم ضمن ابراز نگرانی از این اوضاع و توپ باران روستاهای مرزی مرتب اعلام میکنند که هنوز گزارشی مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی وارد خاک کردستان عراق شده باشد را در دست ندارند!

اما نکته قابل توجه این است که حکومت مرکزی عراق به ریاست نوری مالکی که یکی از متحدان جمهوری اسلامی است تا کنون سکوت کرده و تنها کاری که انجام داده اند یک هیئت پارلمانی بغداد سفری تحقیقاتی به مناطق جنگی کرده است و قرار است گزارشی به دولت مرکزی ارائه بدهد. سیاست به غایت مماشات جویانه و نرم و توام با صبر و انتظار سیاست همه جناحهای شریک در قدرت بغداد است.

همزمان با این درگیریها جمهوری اسلامی آب رودخانه الوند را قطع کرد و مردم شهرها و روستاهای مسیر این رودخانه در شرایط سختی قرار گرفتند. مردم دریندیخان بارها از دولت مرکزی عراق خواستند که دخالت کند و به جمهوری اسلامی اعتراض نماید. اما خبری از اقدام دولت در این رابطه نشد. مردم در محل خود با دست خالی شروع به اعتراض کردند. جاده عبور و مرور دو کشور را بستند و تظاهرات کردند سپس مقامات کردستان با لحنی بسیار نرم، از حکومت اسلامی ایران خواستند آب رودخانه را آزاد کنند و دست از این حملات به روستاهای مرزی بردارند. پاسخ مسئولین و فرماندهان سپاه به این اعتراضات، بسیار بالا بود و وقتی به این التماسها نتهادند. سپس وزیر امور خارجه عراق که یکی از رهبران حزب بارزانی است در یک حالت رو در بایستی و تحت فشار وارد معرکه شد و روز چهارشنبه ۵ مرداد هوشیار زیباری به ایران گفت بهتر است از این حملات دست بردارد، در غیر اینصورت روابط دو کشور لطمه می بیند. رئیس دولت عراق (مالکی) به عنوان دوست و مهربان ایران رفتار میکند و تا امروز جلال طالبانی به عنوان رئیس جمهور عراق و همچنین بقیه سران حکومت عراق همگی با احتیاط و همراهی با حکومت اسلامی رفتار کرده اند.

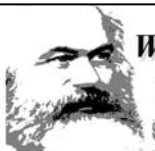
حمله جمهوری اسلامی ایران به این مناطق در عین حال همزمان بود با انتشار سندی محرمانه مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی از حکومت محلی کردستان عراق خواسته است که نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی (کومله و دمکرات ...) مستقر در این منطقه را خلع سلاح کند. مالکی هم تا کنون چندین بار تکرار کرده است اپوزیسیون جمهوری اسلامی حق ندارند در خاک عراق علیه حاکمان تهران اقدامی انجام بدهند. نمونه بارز این موضوع برخوردشان به سازمان مجاهدین خلق بود که اکنون گفته اند قبل از پایان سال جاری میلادی باید خاک عراق را ترک کند.

انترناسیونال: فکر میکنید کلا جمهوری اسلامی چه هدفی را از این تعرضات دنبال میکند؟

محمد آسنگران: همچنانکه گفتم حکومت اسلامی ایران اهداف متعددی را دارد. قدر قدرتی در مرزها، نشان دادن چنگ و دندان به مردم ایران، پیدا کردن بهانه ای برای اعمال فشار به باندهای مختلف درونی خودش برای ایجاد وحدت و مقابله با دشمن در شرایط به اصطلاح اضطراری، در عین حال قلدری در عراق، به چالش گرفتن اتوریته مسئولین محلی در کردستان عراق و کمک به باندها و نیروهای اسلامی طرفدار خود در دولت عراق و در کشور عراق و در مرزها، جمهوری اسلامی ایران یکی از نیروهای مهم و تاثیر گذار در عراق است و اکنون با بحث خارج شدن می کوشد نقش جدی تری در آنجا بازی کند.

در عین حال حکومت اسلامی ایران قصد پس راندن و تار و مار کردن پژاک را دارد. اکنون این حکومت با وقاحت از اینکه رهبر پژاک را باید به ایران تحویل داد، حرف میزند و از دولت آلمان خواهان اینست که از فعالیت پژاک در آلمان جلوگیری کند. اینکه سیاستهای پژاک چیست و چه نقدی به آن هست یک موضوع دیگر است، ولی اینکه یک

صفحه ۴



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wpiiran.org

قتل عام نوروژ توسط سرباز جنگ صلیبی

بهروز مهرآبادی

سایه اندوه سراسر نوروژ را پوشانده است. سربازان مسلح در خیابانهای مرکز شهر گشت می زنند، نیروهای پلیس در آبهای اطراف جزیره اوتایا در نزدیکی اسلو جستجو می کنند و دهها خانواده با خبر شده اند که فرزندان آنها هرگز باز نخواهند گشت. ۲۳ ژوئیه امسال هوا آفتابی است اما گویی کسی آفتاب و خورشید را نمی بیند. همه در بهت و اندوه بسر میبزنند. تصویر آندرس برینگ بریوک ۳۲ ساله بر صفحات اول روزنامه های نقش بسته است، اینفورم پوشیده با سلاحی پیشرفته مجهز به دوربین که خواننده خبر را نشانه رفته است. او روز قبل با انفجار چندین بمب در مرکز شهر و در نزدیک ساختمان های دولتی ۸ نفر را کشت و دهها نفر را زخمی کرد سپس در حالی که لباس پلیس پوشیده بود، به اردوی جوانان سوسیال دمکرات رفت و آنها را به گلوله بست. بر اساس آخرین گزارشات ۶۸ نفر در این محل جان باختند.

جنایت، با وحشی گریها و آدم کشیهای تروریستهای اسلامی و القاعده که کشتن هرچه بیشتر انسانها را هدف خود قرار داده اند مو نمیزند. به همین دلیل در اولین ساعات در رادیو و تلویزیون از احتمال نقش القاعده در این عملیات جنایتبار خبر داده شد. اعلام شد که یک گروه اسلامی به نام انصار الجهاد مسئولیت این

در مورد جنگ جمهوری اسلامی و ... از صفحه ۳

حکومت تروریست که در پرونده اش جنایات و قتل عامهای هزاران نفره ثبت شده، اکنون در موضع مدعی علیه تروریسم حرف میزند و خواهان تعقیب رهبران احزاب اپوزیسیون است، یک موضوع دیگر است. جمهوری اسلامی در منطقه مرزی ایران و عراق قصد سازمان دادن یک شبکه تروریستی اسلامی را دارد. این مناطق را میخواهد در اختیار جریانات اسلامی متحد خود قرار دهد. اما تجربه تا کنونی نشان داده است که این سیاست رژیم موفقیتی در بر نخواهد داشت.

انترناسیونال: تاثیر این درگیریهای نظامی در کردستان ایران چه بوده است؟

محمد آسنگران: مردم کردستان ایران این وقایع را با دقت دنبال

برنامه انتخاباتی قبلی خود گذاشته بود. در کنار سیاست حمله به پناهندگان و مهاجرین، بند و بست با دولت های اسلامی و سازش با اسلام سیاسی را می توان دید. تاسیس مدارس اسلامی، ساختن مساجد، پخش برنامه های مذهبی. اسلامی از رسانه های دولتی و حتی تلاش برای برقراری دادگاههای اسلامی برای کسانی که خود از کشورهای اسلام زده گریخته اند، بخشی از این اقدامات بوده است. فعال شدن جریانات اسلام سیاسی، اقدامات تروریستی، زن ستیزی و کودک آزاری این جریانات، سیاست گتو سازی از سوی دولتها تحت نام ایجاد جامعه چند فرهنگی و بیزاری بسیاری از مردم اروپا از این وضعیت دلیل دیگری برای رشد و قدرت گیری احزاب دست راستی در اروپا بوده است.

شواهد نشان داد که آندرس بریوک انجام جنایت خود را از چندین سال قبل تدارک دیده بود. این عمل غیر انسانی بر زمینه سیاست راستی است که در کشورهای مختلف اروپا به جلو آمده و نفوذ سیاسی و تریبون پیدا کرده است. سیاستی که در دهه ۶۰ و ۷۰ مورد انزجار همگانی بود و جرات ابراز وجود نداشت ولی امروزه سخنگویان خود را در پارلمان کشورهای مختلف، در دولت ها و حتی در پارلمان اروپا پیدا کرده است. احزاب دست راستی در اروپا عملا و رسماً در مقابل جنبش کارگری قرار گرفته اند و در تلاش هستند تا دامنه فعالیت های نهاد های

قوا اجازه بدهد طبعاً باید دست به اسلحه برد. اما شرایط امروز با آن موقعیت مناسب و مورد نظر هنوز فاصله دارد و جریانی مثل پژاک و پ.ک.ک عملاً به عنوان یک نیروی مسلح در جهت خلاف این مبارزات شهری عمل میکنند. دست به اسلحه بردن در مقابل دولتهای فاشیست و دیکتاتور جزئی از مکانیزم مبارزه برای سرنگونی این حکومتها است. ولی ماجراجویی نظامی و تحمیل جنگ به مردم در یک تعادل قوای نامناسب عملاً به نفع جمهوری اسلامی تمام میشود.

وقایع اخیر در عین حال سترون بودن جنبش ناسیونالیستی در کردستان را نشان میدهد. سران حکومت اقلیم کردستان عراق نه تنها علیه اپوزیسیون جمهوری اسلامی در حد توان و مقدمات خود با رژیم اسلامی همکاری کرده و میکند، بلکه از مردم تحت حاکمیت خود هم دفاع نمیکند.

دیگر این دو جریان "خارجی" ستیزی آنها است. ترور و قتل یک مبنای ایدئولوژیک آنها است هر کس با عقاید آنها مخالف است باید کشته شود، هر کس که در کشور دیگر، در قبایله دیگری متولد شده باشد، بیگانه است و باید بیرون رانده شود. تعلیمات نظامی و استفاده از اسلحه و وسایل کشتار از ابزار عادی این گروهها است. گزارشات بسیاری منتشر شده که احزاب دست راستی اروپا اعضای خود را به اردوگاههای تعلیمات نظامی می فرستند و به آنها داشتن سلاح را توصیه می کنند.

آندرس برینگ بریوک محصول وضعیت اجتماعی امروز جهان است. بحران عمیق و بن بست سرمایه داری، آلترناتیو سوسیالیسم را بطور واقعی در مقابل بسیاری از مردم جهان قرار داده است. رشد احزاب دست راستی و ابراز وجود جریانات فاشیستی و تروریستی محصول این سرکشتگی سرمایه داری است. بعد از موارد مختلف اقدامات تروریستی فاشیسم اسلامی، واقعه ۲۲ ژوئن اسلو تجربه تلخی از جریانات فاشیستی اروپائی بود. مقابله با این وضعیت نیاز به آرمان های انسانی و اراده واحد طبقه ای دارد که منافی در باقی ماندن این وضعیت ندارد. باید در مقابل هر دو نوع فاشیسم ایستاد و این از طبقه کارگر ساخته است تا در مبارزه سیاسی و اجتماعی خود، راسیسم و فاشیسم را هر چه بیشتر منزوی و از صحنه سیاست و اجتماع بیرون براند.*

زده و یا به شکلی تأیید آمیز در مورد سیاست بارزانی و طالبانی حرف زده اند. این سیاست ناشی از بن بست است که این جریانات و کل جنبش ناسیونالیستی در آن قرار گرفته است. این موضع جویوانه در ادامه سکوت و یا بد تر از آن تأیید سرکوب مردم معترض در شهرهای کردستان بوسیله بارزانی و طالبانی اقتضای دیگری برای ناسیونالیسم کرد محسوب میشود.

مراکش "تظاهرات بر علیه اصلاحات حکومتی!"

هیچ آمیدی به برگزاری انتخابات آزاد هم ندارند. مردم خواهان قانون اساسی دیگری که در آن مطالبات اقشار فقیر، بیکاران و زنان منظور شده است، هستند. تظاهر کنندگان اعلام کرده اند تا زمان ایحاد تغییرات بنیادی تر در سیستم حکومت در خیابانها خواهند ماند. جنبش "بسیستم فوری" این تظاهرات را سازماندهی کرده بود!

بعد از وعده اصلاحات شاه مراکش و دادن تغییرات جزئی در قانون اساسی این کشور، مردم بعد از گذشتن سه هفته از آغاز اصلاحات حکومتی، دوباره دست به تظاهرات زدند. در ریاض پایتخت مراکش تظاهراتی با عنوان مخالفت با قانون اساسی جدید این کشور برگزار گردید.

از نظر مردم اصلاح قانون اساسی مشکلی از مردم را حل نکرده و آنها

بازتاب هفته

انقلابات منطقه در یک نگاه



محمد شکوهی

سوریه: ادامه تظاهرات میلیونی بر علیه رژیم اسد!

روز جمعه ۲۲ ژوئیه بزرگترین تظاهرات بر علیه رژیم اسد در بیش از ۱۵ شهر بزرگ این کشور برگزار شد. خبرگزاریها از شرکت میلیونها نفر در این تظاهراتها خبر دادند. به گفته ناظران این بزرگترین تظاهرات مردم بر علیه رژیم از آغاز اعتراضات در چهار ماه پیش بود و خواست اصلی آن سرنگونی حکومت بشار اسد بود. تعداد تظاهر کنندگان در شمال سوریه در شهر حماه بیش از ۶۵۰ هزار نفر، در درعا در جنوب بیش از ۵۵۰ هزار نفر، در شرق در شهر دیرالزور و در شهر قامیشلی بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر، در شهر حمص بیش از ۴۰۰ هزار و در منطقه مدان دمشق، لاذقیه در ساحل دریای مدیترانه صدها هزار نفر اعلام شد.

حکومت سوریه که از سراسری و گسترده بودن تظاهرات مردم غافلگیر شده بود، دوباره تانکها را به خیابانها آورد و نیروهای ارتش و نیروهای لباس شخصی را برای سرکوب مردم گسیل کرد. در جریان حملات نیروهای امنیتی در این روز ۷ نفر از مردم کشته و دهها نفر زخمی و صدها نفر دستگیر شدند. بعد از پایان تظاهراتها نیروهای امنیتی اقدام به دستگیریهای گسترده ای در شهرهای حمص، درعا، دمشق و روستاهای جبل الزاویه در استان ادلب کردند. به گزارش دیده بان حقوق بشر سوریه خودروهایی زرهی ارتش وارد منطقه "السراج" و روستاهای اطراف آن شده اند. شهرهای درعا و حمص کماکان در محاصره ارتش قرار دارند. در شهرکهای اطراف شهرهای درعا و حمص مردم به فراخوان اعتصاب عمومی جواب مثبت داده و صدها هزار نفر در اعتصاب عمومی بسر می برند. قوانین منع آمد و شد در شهرهای درعا و حمص برقرار شده و تنگ تیراندازهای وابسته به نیروهای امنیتی بالای پشت بامها مستقر شده اند. دستگیریهای گسترده در شهر حمص و درعا و خانه

گردی ادامه دارد. در طول یک هفته بیش از ۵۰ نفر فقط در شهر حمص بر اثر اصابت گلوله نیروهای ارتش کشته شده اند. با انتشار اخبار سرکوب رژیم سوریه و ادامه اعتراضات، لحن کشورهای غربی در محکومیت جنایات رژیم اسد تند تر شده و سازمان ملل از "احتمال" جنایت بر علیه بشریت توسط رژیم خبر داده و تحریم های گسترده ای را علیه حکومت سوریه اعلام کرده است. دیکتاتوری اسد سیاست سرکوب خشن و تمام عیار را با حمایت و پشتیبانی بی دریغ جمهوری اسلامی به پیش می برد. رژیم بشار اسد خبر از "اصلاحات و تصویب قانون آزادی فعالیت احزاب" داده با این خیال واهی که مردم و اعتراضات را مهار و کنترل کند. اما عملاً نه سرکوب و کشتار و نه وعده های توخالی رژیم اسد، در عزم و اراده مردم برای به زیر کشیدن رژیم اسد اثری نداشته است. از آغاز اعتراضات از چهار ماه پیش تاکنون دست کم ۱۵۰۰ نفر کشته، بیش از ۱۲ هزار نفر دستگیر و دهها هزار نفر ناچار به ترک محل زندگی شان شده اند.

مصر: باز گشت روزهای انقلاب فوری به میدان التحریر

از اواسط هفته گذشته دوباره اعتراضات مردم بر علیه دولت نظامیان در مصر آغاز شده است. هزاران نفر هر روزه در میدان التحریر قاهره تجمع کرده و خواهان آزادی زندانیان سیاسی و محاکمه سران رژیم مبارک هستند. حکومت نظامیان هفته پیش مردم را تهدید کرد که اگر میدان التحریر را تخلیه نکنند، با آنها برخورد خواهد شد. در تحولی دیگر در اثر فشار اعتراضات مردم در قاهره دولت نظامیان ناچار دست به ترمیم کابینه زده و ۱۴ وزیر دولت را عوض کرد. دولت به این امید که مردم را "راضی" و راهی خانه هایشان کند، دوباره وعده "اصلاحات و برگزاری انتخابات" را داد، اما هیچکدام از این اقدامات نتوانست مردم را راضی نماید. گروههای جوانان و جریانات رادیکال و هواداران ادامه انقلاب دوباره فراخوان تظاهرات برای روز شنبه ۲۳ جولای را دادند. در پاسخ به این فراخوان تظاهرات هزاران نفری مردم از میدان التحریر به طرف وزارت دفاع این کشور آغاز شد.

مردم خواهان ادامه محاکمات مقامات دولت مبارک آزادی زندانیان

سیاسی و برقراری آزادیهای سیاسی فوری هستند. نیروهای ارتش با سازماندهی دار و دسته های ارادل و اویاش وابسته به باندهای ارتش و در حمایت نیروهای ارتش به تظاهرات مردم حمله کردند. در جریان حملات ارتش و باندهای وابسته به آنها، بیش از ۲۰۰ نفر از مردم زخمی شدند. ناظران معتقدند که این بزرگترین و خونین ترین تظاهرات بر علیه دولت نظامیان بعد از سرنگونی رژیم مبارک در ماه فوریه امسال بوده و حتی شعار سرنگونی حکومت نظامیان در تظاهرات به گوش می رسید. سازماندهندگان این اعتراضات که هسته اصلی آن در میدان التحریر قاهره می باشند، اعلام کرده اند که در روزهای آتی نیز دست به برگزاری تظاهراتی مشابه زده و به دولت نظامیان حالی خواهند کرد که انقلاب ناتمام مردم مصر کماکان می تواند ادامه داشته باشد. رویارویی انقلاب و دولت ضد انقلاب نظامی مصر ادامه دارد.

بحرین: تظاهرات ضد حکومتی ادامه دارد!

چهار ماه بعد از آغاز اعتراضات مردم بر علیه رژیم این کشور و سرکوب وحشیانه مردم، ماه قبل رژیم بحرین اعلام کرد که حاضر است با "نمایندگان احزاب مخالف" - منظور گروههای اسلامی شیعه که مستقیماً از جمهوری اسلامی دستور می گیرند - مذاکره نماید، تا "دشمنان بحرین" را ناکام نمایند. احزاب و جریانات اسلامی از جمله "حزب الوفاق بحرین" که حزب اسلامی شیعه و وابسته به جمهوری اسلامی می باشد وارد مذاکره برای گرفتن امتیازاتی از رژیم شد. بعد از چند دور مذاکره، آن هم در حالی که اعتراضات ادامه داشت و ابعاد سرکوبها گسترده تر گردید، این حزب مجبور شد فعلاً از مذاکره با رژیم آل خلیفه دوری جوید. تغییر سیاست این حزب مستقیماً نتیجه فشار اعتراضات مردم در خیابانها بود. دولت بحرین در اقدامی دیگر و برای آرام کردن اوضاع تعدادی از زندانیان وابسته به حزب الوفاق را از زندان آزاد کرد و دوباره وعده تغییراتی به نفع این جریان داد. بدین ترتیب این حزب عملاً وارد زد و بند با رژیم بحرین شده و تلاش دارد برای خودش موقعیتی دست و پا نماید. بعد از چند هفته سکون و آرامش نسبی از دو هفته پیش دوباره تظاهراتها بر علیه رژیم آل خلیفه

آغاز شده است. این بار بازماندگان و خانواده های کشته شدگان اعتراضات چند ماه گذشته به همراه جوانان بحرین فراخوان تظاهرات داده و بدین ترتیب دور دیگری از اعتراضات را آغاز کردند. روز سه شنبه ۲۶ ژوئن هزاران نفر ضمن شرکت در تظاهرات خواستار اقدام علیه کسانی شدند که در سرکوب مردم در جریان تظاهراتهای ضد حکومتی در چند ماهه اخیر دست داشته و دهها نفر را کشته و هزاران نفر را دستگیر کرده اند. رژیم بحرین مجبور شده بود در اثر فشار اعتراضات و مبارزات مردم، بویژه بازماندگان و خانواده های کشته شدگان و دستگیر شدگان کمیته ۵ نفره ای تشکیل بدهد تا درباره نقش نیروهای امنیتی دولتی در سرکوب خشونت آمیز اعتراضات تحقیق نماید. این کمیته بعد از چند هفته اعلام کرد که گزارش مورد نظر تا ماه اکتبر آماده خواهد شد. این تظاهرات در اعتراض به عدم پاسخگویی این کمیته و طولانی بودن پروسه رسیدگی به جنایات حکومت و نیروهای امنیتی برگزار گردید. تظاهر کنندگان خواهان معرفی فوری عاملان و آمران کشتار مردم بوده و اعلام کرده اند که در روزهای آینده نیز به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد.

لیبی: جنگ مخالفان با رژیم قذافی و بمباران ناتو ادامه دارد!

آخرین خبرها از لیبی حاکی از این است که نیروهای مخالف قذافی به حملات خود شدت داده اند و پیشرویهایی به طرف پایتخت این کشور داشته اند. در سطح بین المللی دولت های بیشتری شورای موقت لیبی را برسمیت شناختند. از جمله دولت بریتانیا در یک اقدام دیپلماتیک تمام کارکنان سفارت لیبی را از این کشور اخراج کرد و شورای موقت لیبی را بعنوان دولت برسمیت شناخت و ساختمان سفارت را در اختیار آنها قرار داد. همانگونه که همگان میدانند اعتراضات و انقلاب مردم لیبی مسیر کاملاً متفاوتی از انقلابات مصر و تونس و سایر کشورها منطقه در پیش گرفت. در روزهای آغازین انقلاب، مردم در جمعیت هایی صدها هزار نفری به میدان آمدند. همزمان که رژیم موجودیت خود را در خطر دید، به ابعاد سرکوبها و وحشیگری در سرکوب انقلاب مردم شدت بخشید. در یک تعرض مردم و مخالفان رژیم قذافی موفق شدند بخش هایی از کشور را

تحت کنترل خود گرفته، مسلح شده و جنگ برای سرنگونی رژیم را آغاز نمایند. بعد از گذشت سه هفته از جنگ مردم و مخالفان با رژیم، ناتو به بهانه "حمایت" از مخالفان و برای یکسره کردن کار رژیم قذافی وارد جنگ با رژیم لیبی شد. مخالفان قذافی ضمن استقبال از این اقدام ناتو موفق شدند بخش هایی از کشور را تحت کنترل خود گرفته و بطور دوفاکتو دولت تشکیل بدهند. ناتو به بهانه جلوگیری از سرکوب مردم لیبی توسط رژیم قذافی، بمباران لیبی را از سه ماه پیش آغاز کرد. بعد از چهار ماه که از آغاز انقلاب در لیبی می گذرد، یک جنگ تمام عیار میان رژیم قذافی و نیروهای مخالف در جریان است. شمار نامعلومی در این جنگ کشته شده اند. حکومت قذافی با تمام سبعیت و درندگی به سرکوب مردم و مخالفان پرداخته است. نیروهای ناتو هر روز به مناطق تحت کنترل رژیم حمله کرده و بمباران پایتخت این کشور تقریباً هر روز ادامه دارد. مخالفان دولت در شهر بنغازی که مرکزشان است دولت سایه تشکیل داده اند. این دولت که به "شورای انتقالی لیبی" معروف شده، کنترل بخش هایی از کشور را در دست گرفته و از طرف آمریکا و کشورهای غربی به رسمیت شناخته شده است. جنگ در لیبی ادامه دارد. بر اساس گزارشات تا کنون بیش از ۱۰ هزار نفر کشته شده اند. رژیم قذافی چندین شهر را با خاک یکسان کرده است. در مناطق تحت کنترل نیروهای قذافی هزاران نفر از مردم در حین فرار قتل عام شده اند. جنگ در اطراف شهرهای مضرانه، بریگا به شدت ادامه دارد. هیچ کدام از طرفین موفق نشده اند به لحاظ نظامی به پیروزی دست یابند. جنگ ادامه دارد در این میان صدها هزار نفر از مردم لیبی آوار شده اند. رژیم قذافی فعلاً سر کار است و دست به هر جنایتی می زند. دولت های اروپایی و آمریکا در صد پیدا کردن راههایی برای کشاندن قذافی به پای میز مذاکره با مخالفان بر آمده اند که تا تاکنون نتیجه ای نداشته است. در حال حاضر جنگ، بمباران های ناتو و گرسنگی و کمبود مایحتاج اولیه و نبود امکانات پزشکی و درمان، زندگی را برای مردم تبدیل به جهنمی کرده است.

یمن و تهدید جنگ داخلی!

در یمن بعد از فرار دو ماه پیش صالح دیکتاتور این کشور معاون وی

بازتاب هفته

دادگاههای علی و "مجتهدین شجاع" نیز دیگر اثر ندارد



بهروز مهر آبادی

برگزاری دادگاههای چند دقیقه ای، بدون وکیل مدافع، بدون آیین دادرسی و به شیوه محاکمات عصر حجری امام علی، اشد مجازات با هدف عبرت گیری سایرین را می توان شیوه متداول دستگاه قضاوت جمهوری اسلامی دانست. به همین شیوه حکم نابودی دهها هزاران نفر در این محکمه ها صادر شده است. جرم اکثریت آنها اندیشیدن، خواندن، نوشتن و اظهار عقیده کردن بوده است و تعداد بیشماری به تحمل ضربات شلاق و سایر شکنجه های اسلامی، قطع اعضای بدن و زندان محکوم شده اند. حتی چندین تن از وکلای مدافع بخاطر دفاع از متهمان آنها بر مبنای قوانین رسمی خود رژیم، شکنجه شده و در زندانها بسر می برند. تعداد زیادی از کودکان با فرمان مجتهدهایی نظیر "مکارم شیرازی"، اعدام شده و یا بهترین سالهای زندگی خود را در زندانها گذرانده اند. فرمایشات این آیت اله و تاکید بر اینکه "شعبه قضایی به سبک دادگاههای امیر مومنان علی با

حضور چند مجتهد شجاع تشکیل شود"، چیز تازه ای نیست. اما می توان آن را تصویر گویای سیمای سیستم قضائی رژیم و تلاش برای تشدید فضای سرکوب و ارباب دانست. مکارم شیرازی از "مجلس محترم" اسلامی خواهان حل مشکلات قانونی برای رسمیت دادن به سیستم قضایی متداول در نظام اسلامی است.

قاچاق مواد مخدر، دزدی، تجاوز، قتل و بسیاری دیگر از ناهنجاری های اجتماعی پدیده هایی هستند که در جمهوری اسلامی ابعاد بسیار گسترده تری یافته اند. رژیمی که خود پرونده صدها هزار قتل عمد دولتی و ترور را دارد، عملاً مروج قتل و جنایت است. فقر، استیصال و شرایط دهشتناک اجتماعی بازار مناسبی برای مواد مخدر فراهم کرده است و بر اساس گزارشات انتشار یافته سر نخ واردات و عرضه مواد مخدر در دست سرداران سپاه و سردمداران رژیم است. این بار شخص احمدی نژاد نیز که خود یکی از پاسداران قدیمی است و سر و ته این ارگان را خوب می شناسد به این قاچاقچی گری سپاه اعتراف کرده است. ترویج فرهنگ عقب مانده و لمپنیسم اسلامی، زمینه پدیده هایی همانند زورگیری و تجاوز را فراهم کرده است. رژیم خود بخش زیادی از دستجات اوباش و لمپن ها را برای سرکوب مبارزات مردم و ایجاد فضای وحشت،

سازماندهی کرده است. پرونده بسیاری از جنایاتی که این دستجات انجام داده اند هیچوقت باز نشده است.

در راستای سخنان مکارم شیرازی سخنگوی قوه قضائیه غلامحسین محسنی اژه ای در شانزدهمین نشست خبری خود گفت: "قوه قضائیه مصمم است با جرایم خشن و خاص همانند تجاوز، آدم ربایی و تجاوز به عنف که امنیت جامعه را مختل می کند به صورت جدی برخورد کند.... دیوان عالی کشور موظف شد شعبات ویژه ای را برای رسیدگی خارج از نوبت این پرونده ها تعیین کند. رژیمی که خود موجب اصلی تمام ناهنجاری های اجتماعی است نمی تواند حل کننده آن ها باشد. اگر قرار باشد که فروشنندگان مواد مخدر، قاتلان، متجاوزان و دزدان محاکمه شوند، اول باید از آیت اله های میلیاردر، سرداران سپاه، اعضای مجلس اسلامی، وکلا، گردانندگان سیستم قضایی و تمام دست اندرکاران نظام شروع کرد. دزدی یا پخش مواد مخدر مسئله جمهوری اسلامی نیست. از نظر حکومت اسلامی مردم همه مجرمند. زن بودن، جوان بودن، کارگر بودن و دانشجو بودن جرم است. خواهان آزادی، برابری، شادی و رفاه بودن نیز از جرایم دیگری هستند که با مجازاتهای اسلامی پاسخ می گیرند.

همانطور که مکارم شیرازی گفته است نظام قضاوت اسلامی بر ایجاد ارباب و بر مبنای انتقام کشی و سنن عقب مانده عصر حجری استوار است. این نظام خواهان اعمال اشد مجازات

است "تا سایرین عبرت بگیرند و حساب ببرند". آنچه که این مجتهد "بی رمق بودن" دادگاهها می نامد، ملاحظات و ظاهر سازی هایی است که رژیم بخاطر فشار افکار عمومی مردم دنیا، وجود قوانین بین المللی و یا به قول خودش "نظام ناسالم قضایی غرب"، ناچار است انجام دهد. سخنان این آیت اله بار دیگر این واقعیت را نشان می دهد که دستگاه قضاوت اسلامی قرن ها از سیستم قضایی رایج در دنیای امروز و بسیار دورتر از شیوه انسانی و سوسیالیستی پرداختن به مشکلات و رفتارهای آسیب زنده به زندگی اجتماعی است.

اعدام کودک ۸ ساله توسط طالبان

جنایتی تازه و تکان دهنده! کودک ۸ ساله ای توسط نیروهای طالبان اعدام شد. آنها این کودک را ربودند و از پدر او که یک پلیس محلی است خواستند که در ازای آزادی پسرش خود را به طالبان تسلیم کند. پس از اینکه او درخواست طالبان را نپذیرفت، کودک را به دار آویختند. به گفته مقامات افغان بخش هایی از ولایت هلمند در جنوب افغانستان در کنترل نیرو های طالبان است. این اولین بار نیست که نیروهای طالبان دست به چنین جنایاتی می زنند. انتشار صحنه های اعدام و شکنجه توسط نیروهای طالبان، توحش بی حد و مرز آنها را به مردم جهان نشان داده است. این اولین بار نیست که کودکان قربانی قوانین اسلامی طالبان می شوند. در زمستان سال ۱۳۸۶

کودک ۱۲ ساله ای بجرم جاسوسی توسط آنها بدار آمیخته شد. در تابستان سال گذشته هم پسر ۷ ساله ای بجرم جاسوسی اعدام شد. حمله به مدارس و کشتار کودکان، مسموم کردن دانش آموزان، استفاده از کودکان برای عملیات انتحاری نمونه های کوچکی از جنایات طالبان است که انتشار یافته است.

در پشت بند و بست و کشمکش های داخلی رژیم افغانستان، حمایت ارتش و دولت پاکستان از طالبان و بن بست که آمریکا و متحدانش در افغانستان گرفتار آمده اند، این مردم افغانستان و بویژه کودکان هستند که بیشترین صدمات را می بینند و در جنبه روسای قبایل، گروههای مسلح و تروریست اسلامی و در معرض تهاجمات نیروهای آمریکا و متحدانش هستند. در حالی که دستجات طالبان باید دستگیر و مورد محاکمه قرار بگیرند، اخبار مذاکرات آمریکا و دولت افغانستان با آنها و سوده های مالی هنگفت آنها از حضور نیروهای خارجی در افغانستان منتشر می شود. وقایع چند سال اخیر این واقعیت را نشان داده است که نه دولت کرزای و شیوخ و روسای قبایل و نه حضور نیروهای آمریکا و متحدانش می تواند کمکی به حال کودکان افغان کند. فقط قدرت گیری جنبش سکولار، آزادیخواه و برابری طلب می تواند ضامن خلاصی کودکان، زنان و مردم افغانستان از توحش و ارتجاع اسلامی باشد.*

انتخابات نمایشی، ...

میدهم که تازمانی که یک دست غیبی ای وجود دارد که هنوز کار میکند، اصولگرایان شکست نخواهند خورد و این دست هر که را که ایشان بخواهد از صندوق بیرون میکشد و برنده اعلام میکند. اما روشن است که این نمایش انتخاباتی نیز به حد شدن نزاعها کمک میکند. طرفداران جنبش کذابی سبز به تقلا افتاده اند که شرکت خود را وثیقه آزادی موسوی و کروبی قرار دهند و شرکت خود در این نمایش انتخاباتی را به آزادی آنها مشروط کرده اند. احمدی نژاد و باند مشایب آنطور که گفته میشود از مدتها قبل در حال تدارک دست بالا پیدا کردن در نمایش انتخاباتی هستند. و بقیه اصولگرایان یعنی جناح طرفدار خامنه ای نیز هنوز قادر به یکدست کردن صفوف خود بر سر انتخابات نشده اند. به این ترتیب این بازی انتخاباتی

از صفحه ۱

نیز به حادث شدن نزاعها کمک خواهد کرد. تلاش خامنه ای برای وصله پینه کردن نزاعها و برپا کردن "هیئت حل اختلاف" دست و پا زدن مضحک برای بهم آوردن شکافها در آستانه بازی انتخاباتی است. این هیئت در واقع قرار است در یک تلاش برای سازش، سهم جناحهای متنازع در انتخابات اسفندماه را از هم اکنون تعیین کند تا مشکل و معضلاتی نظیر آنچه در سال ۸۸ صورت گرفت و جمهوری اسلامی را تا لبه سقوط کامل برد پیش نیاید. اما مساله این است که مردم در سال ۹۰ دیگر آن مردم سال ۸۸ نیستند. مردم قطعاً تلاش میکنند که این انتخابات کذابی را نیز بر سر جمهوری اسلامی خراب کنند. اما با این تفاوت که این بار بسیار بعید است که هیچ جناح و دار و دسته حکومت قادر شود حرکت مردم را کند و یا کنترل کند.

انقلابات منطقه در یک نگاه...

به همراه ارتش زمام امور را به دست گرفته است. معاون صالح رئیس دولت این کشور شده است. تظاهراتهای موافقان و مخالفان رژیم کماکان ادامه دارد. خبری از وعده های داده شده در مورد انتخابات آزاد نیست. در بخشهای جنوبی این کشور جریانات تروریست اسلامی شیعه وابسته به جمهوری اسلامی، جریات تروریستی القاعده و قوم گراها دست به تحرکاتی زده اند. خطر بوجود آمدن وضعیتی مشابه لیبی، یعنی غلظیدن در گرداب جنگ داخلی جدی است. دار و دسته های دولتی به همراه ارتش خود را آماده می کنند به بهانه مبارزه با تروریستها و خرابکاران، به این بخش یمن حمله نمایند. تظاهراتهای مخالفان و موافقان روزهای جمعه هر هفته ادامه دارد. اوضاع یمن حتی تیره و تار تر از لیبی

از صفحه ۵

به نظر می رسد. دولت می گوید انقلاب تمام شده، مردم به خانه هایشان برگردند و منتظر برگزاری انتخابات باشند. اگر چه دیکتاتور یمن فرار کرده و لی نظام هنوز باقی است. این خطر وجود دارد که جنبش انقلابی مردم به دلیل نبود نیروها و احزاب رادیکال و انقلابی، در لابلای اختلافات قبیله ای و قومی و خطر قدرت گیری جریانات اسلامی قربانی شود. اینکه آیا انقلاب مردم یمن خواهد توانست یکبار دیگر و با قدرت و خواسته های روشن و مردمی دوباره به میدان بیاید، هنوز زیاد روشن نیست. دست بدست شدن قدرت دولتی بین باندهای دولت قبلی و ارتش و دار و دسته ها و روسای قبایل، آینده واقف انقلاب مردم یمن را روشن تر از همیشه کرده است.

زیادی اطمینان داشته باشیم.*

از "خط پنج" تا ...

این نوع سوالات است.

عین سیاست است: سیاست دفاع مستقیم و غیر مستقیم از حکومت؛ و استقلال اینان از احزاب کمونیست خود عین وابستگی است؛ وابستگی عملی و سیاسی به احزاب و جنبشهای بورژوازی.

این خصوصیات در مورد مدافعین امروری سرمایه داری متعارف به نحو بسیار عریان و بارزی بچشم میخورد. جوهر حرف اینان اینست که وضع کارگران در دوره احمدی نژاد بهتر شده است - گویا کارگران صاحب خود رو شده اند و خودشان خبر ندارند - و طرح حذف یارانه ها هم طرح خوبی است چون به اقتصاد سر و سامان خواهد داد و موجب رشد سرمایه ها خواهد شد و لذا وضع کارگران هم بهتر خواهد شد و غیره! (عینا همین نظرات در مورد دوره خاتمی و نرمال کردن اقتصاد ایران و رشد سرمایه های کوچک و غیره مطرح شد که هم حزب ما و هم خود واقعیت جواب دندان شکنی به آنها داد و بایگانیشان کرد). پاسخ ما به این نوع نظرات همانست که به کارگريپناهان دواوردادی در زمان خاتمی دادیم: بحران جمهوری اسلامی اساسا سیاسی - اجتماعی - ایدئولوژیک است و هیچ بخش و جناحی از جمهوری اسلامی قادر به متعارف کردن سرمایه داری در ایران نیست. نظری که امروز کارشناسان اقتصادی طرفدار نئولیبرالیسم نیز به آن معتقدند. (در این زمینه رجوع کنید به مقاله ناصر اصغری با عنوان "چو دزدی با چراغ آید، گزیده تر برد کالا" در کارگرمونیست شماره ۱۶۵). اگر کسی در دوره خاتمی در این مورد تردیدی داشت امروز بعد از تجربه ۸۸

و وضعیت شدت بهم ریخته حکومت - حتی در میان اصولگرایان - میباید هر نوع شک و تردیدش بر طرف شده باشد. اما ظاهرا جهت گیری و گرایش سیاسی سخت جان تر از این حرفها است. امثال حزب توده و اکثریت را جان بجان کنید باز با چار دست و پای طرفداری از حکومت پائین میانیند. خط پنجمی ها هم شرایط هر چه باشد دفاع از "جناح متعارف کننده" رژیم یادشان نمیرود!

اجازه بدهید برای روشن شدن بهتر بحث فرض بگیریم واقعا سیاستهای اقتصادی احمدی نژاد بتواند معضل

اقتصادی حکومت را حل کند و رژیم متعارف بشود. بقول معروف فرض محال، محال نیست. سؤال اینست که از این فرض باید چه نتیجه ای گرفت؟ حمایت از دولت؟ تمکین و سکوت و منتظر معجزات اقتصادی دولت نشست؟ کسی که حمایت و تمکین و سکوت در قبال هر جناحی از بورژوازی که قادر به حل بحران و متعارف کردن اقتصاد است را تجویز میکند قاعدتا باید در کنار تاجر و ریگان و سرکوزی و کامرون قرار بگیرد! زیرا همه اینها برای حل بحران راه حل واقعی دارند. راه حل واقعی از زاویه منافع طبقه سرمایه دار و در چارچوب نظام سرمایه. کسی که از این راه حل بورژوازی دفاع میکند قاعدتا باید به کارگران اسپانیا و پرتغال و یونان و هر کشور بحرانزده دیگری توصیه کند که اعتراض نکنند و به سیاست ریاضت کشی اقتصادی تن بدهند!

این نه ربطی به کمونیسم دارد و نه حتی به رفرمیسم و سندیکالیسم. این نتونکسروایتیم تمام عیار است. حتی سندیکاهای و سندیکالیستها در اروپا و آمریکا در برابر این خط اولترا راست قرار میگیرند. و هر کس خود را نه حتی چپ و کمونیست بلکه مترقی و رفرمیست میدانند در هر جای دنیا در برابر این خط ایستاده است.

در جمهوری اسلامی این خط ارتجاعی شکل عریان و تهوع آوری بخود میگیرد. در اینجا حکومتی مجری طرح ریاضت کشی اقتصادی است که از پنجه هایش خون میچکد، نداها و سهرابها را به گلوله بسته و صدها نفر را در کهریزکها به جرم مخالفت با حکومت مورد وحشیانه ترین شکنجه ها و تجاوزها قرار داده است. آش چنان شور شده که جناحهای مختلف از درون خود حکومت مدام دارند ابعاد جنایات و دزدیهای یکدیگر را رو میکنند. دفاع از چنین حکومتی تحت لوای گشایش اقتصادی و خودرو دار شدن کارگران واقعا تهوع آور است. با همین نوع استدلالات بود که بخشی از جنبش کارگری در آلمان از فاشیسم هیتلری دفاع میکرد. هیتلر هم بحران بورژوازی آلمان را حل کرد و اشتغال ایجاد کرد، جاده و اتوبان ساخت، کارگران را صاحب فولکس واگن کرد، و "خط پنجمی" های آلمان آن زمان نیز دقیقاً با همین نوع استدلالات طرفداران امروری احمدی نژاد به

حمایت از هیتلر برخاستند. این نوع صنفی گری، یعنی دیدن کارگر نه بعنوان یک طبقه اجتماعی بلکه بعنوان یک صنف تولید کننده، یک خصوصیت همیشگی خط پنجمی ها بوده است. گوئی کارگر زندگیش تنها به کارخانه و موقعیت اجتماعی اش تنها به نیروی تولید کننده در کارخانه ها محدود میشود، یعنی دقیقاً تلقی ای که بورژوازی از کارگر دارد. گوئی کارگر نه عضو جامعه است، نه از سلطه مذهب بر زندگی خود و توده مردم در رنج است و نه به تبعیض و فقر نابرابری ای که در جامعه بیداد میکند اعتراضی دارد و نه به ستم به زنان و نه به اعدام و شکنجه و زندان و بیحقوقیهای سیاسی و اجتماعی. گوئی اگر حکومت بروی جامعه تیغ کشیده باشد و خون توده مردم را در شیشه کرده باشد باکی نیست، سر مطالبات صنفی به سلامت باشد! البته در عالم واقع همیشه کارگران قربانیان اصلی چنین حکومتهای سرکوبگری بوده اند - سی سال حاکمیت جمهوری اسلامی نمونه گویائی در این مورد است - اما حتی اگر چنین هم نیسود باز کسی مجاز نبود به بهانه "بهرتر شدن وضع صنف کارگر" در برابر حکومتی که کل جامعه را به خون کشیده سر خم کند.

این حمایت از کارگر نیست این ارتجاع بورژوازی در قالب کارگر زدگی و کارگر پناهی است. این نفی هویت اجتماعی طبقه کارگر، جلوگیری از حضور و قد علم کردن طبقه کارگر در عرصه سیاست، و نفی مبارزه سیاسی این طبقه برای قرار گرفتن در راس توده های محروم مردم و آزاد ساختن خود و همه جامعه از شر سرمایه داری است. و در شرایط مشخص سیاسی ایران این نگرش به معنی تمکین به یکی از خونخوارترین و جانی ترین دولتهای بورژوازی در تاریخ معاصر دنیا و قرار گرفتن در برابر جامعه ایست که در حال انفجار است. در جامعه ای نظیر ایران دستهای بانک جهانی بخون مردم آلوده است و حامیان سیاستهای توصیه شده بانک جهانی در این کشورها هر نیتی داشته باشند عملاً در کنار ماشین جنایت دولتی قرار میگیرند.

ویژگی دیگر خط پنج و مدافعین سرمایه داری متعارف مخالفت با مجمع عمومی و شورا و آویزان شدن به سندیکالیسم است. دلیل هم روشن

است. سندیکا شکل مشخص است که میتواند محملی باشد برای قانونگرایی و اعتراض در چارچوب نظم فعلی. یعنی آنچه دقیقاً از ملزومات کار مدافعین این یا آن جناح حکومت بشمار میرود. بعلاوه سندیکا شکل تشکیلاتی بسیار مناسبی است برای صنفی گری و سیاست گریزی این گرایش، یا عبارات بهتر دفاع عملی اینان از سیاستهای بورژوازی. و بالاخره شکل فعالیت سندیکائی مستلزم مداخله فعال و هر روزه توده کارگران نیست و این اجازه میدهد فعالین این خط نظراتی که هیچگونه پایگاهی در میان توده های کارگر ندارد را از قول کارگران و بعنوان مسئول و عضو هیات مدیره و یا فالان مسئول اتحادیه عنوان کنند و از پاسخگویی به توده کارگر حتی در بدنه تشکیلات متبوعه خود معاف باشند.

ازینجا میتوان با برهان خلف بدلائل اساسی ضدیت اینان با شورا و مجمع عمومی نیز پی برد. مجمع عمومی و شورا یعنی دخالت مستقیم توده کارگر در امور هر روزه خود، یعنی باز کردن راه برای پیشبرد مبارزات کارگری در شرایطی که امکان مبارزه قانونی نزدیک به صفر است و بالاخره شورا و جنبش شورائی یعنی زمینه ایجاد کردن برای مبارزات "غیرصنفی" طبقه کارگر، از اعتراض به مضحکه های انتخاباتی رژیم تا دفاع از جنبش زنان و جوانان و تا قد علم کردن در اول ماه مه ها باشعار زنده باد سوسیالیسم و تا دخالتگری در سرنوشت و سیاست کل جامعه.

مجموعه این عوامل بروشنی دلایل شورا استیزی و سندیکا پناهی خط پنج را توضیح میدهد و نیازی به شرح و بسط بیشتر نیست. تنها باید این را دوباره تاکید کرد که خط دفاع از سیاستهای بانک جهانی، که یک شکل مشخص بروز خط پنج در شرایط امروز است، تماماً در مقابل مبارزه سندیکائی و حتی سندیکالیستی - به شکلی که مثلاً اتحادیه ها در غرب در برابر طرح ریاضت کشی اقتصادی ایستاده اند - قرار میگیرد. واقعیت اینست که جمهوری اسلامی جای چندانی برای مبارزه قانونی در ایران باقی نگذاشته است و بهمین دلیل سندیکالیسم در ایران ناگزیر است بسیار راست تر از اتحادیه های غربی

تجاوز دسته جمعی به خاطر "حس مذهبی"

یاشار سهندی

بعد از نزدیک دو ماه یکی از سایت‌های حکومتی با نام بی مسمای "جامعه نو" رسماً تأیید کرد که یورش به پارتی خانوادگی در شهر سده (خمینی شهر) اصفهان کار مزدوران حکومت بوده است. سخنان یکی از متهمین از قول شخص سومی در این سایت منتشر شده است: "در خانه به علت بیماری در حال استراحت بوده است که یکی از اهالی باغدار محل در تماسی ادعا میکند که عده ای زن و مرد بصورت مختلط و نابهنجار پارتی ای مفتضح در در محل به راه انداخته اند و از من خواست تا برای برخورد با ایشان به محل بروم. این متهم در ادامه گفت: من نیز با وجود مریضی بدلیل حس مذهبی برای بررسی صحت حادثه با نیت برخورد با چنین افعال مفسدانه ای به محل رفتم و پس از اطمینان، با بقیه افرادی که برای برخورد با این حادثه جمع شده بودند به یکباره وارد

مجلس شکل گرفته شدیم و پس از جدا کردن مردان، زنان را به باغی دیگر منتقل کرده و سپس رها کردیم. اما موضوعی که در این بین شاهد بودیم حضور دو زن ارمنی رفاصه در بین جمع آن زنان بودیم که به حضور در مجالس فساد معروف بودند. بی اعتنائی مردان حاضر در آن پارتی پس از جدا کردن زنان از ایشان و بیان این مطلب از سوی ایشان که "هرکاری با می‌خواهید با زنان انجام دهید ولی کاری با ما نداشته باشید" یکی از نکاتی بود که در گفته‌های این متهم بیان شد و در آن صحنه نیز تعجب افرادی که برای برخورد ایشان رفته بودند را برانگیخت. وی افزود: ناگفته نماند که یکی از افراد بین ما که تحت تاثیر جو فاسد موجود بعد از انتقال زنان قرار گرفته بود و قصد انجام فعل حرام را داشت، با برخورد قهرآمیز ما روبرو شد و نهایتاً تجاوزی صورت نگرفت. ولی روز بعد از این واقعه ... زنان معلوم الحال اقدام به شکایت از افرادی که پارتی ایشان را برهم زده بودند میکنند... رذالت و کثافت از سرتاپای این توضیحات می بارد. این

دقیقا ادبیاتی است که رسماً و همیشه در طی این سی دو ساله حکومت اسلامی برای اشاعه نظرات به غایت ضد بشری و بخصوص ضد زنان بکار میبرد. "زنان معروف، زنان رفاصه، زنان معلوم الحال، پارتی مفتضح، مجالس فساد، افعال مفسدانه، بی غیرتی مردان" و... اینها ترجیح بند ادبیات این حکومت علیه زنان و شادی مردم است. شادی اعمال مفسدانه نام میگیرند و زنان باعث فساد قلمداد میشوند. این همان دلایلی است که قاتلان شهر کرمان چندین سال پیش علیه مقتولان بکار بردند، این "ادله" محکمه پسندی برای دستگاه قضای این حکومت است که به زنان تجاوز کنند. شادی افعال حرام نام میگیرند تا آنها که با خدا معامله کردند کثیف ترین اعمال از شان سر بزنند. سایت دیگر حکومتی به نام "عبرت نیوز" از اینکه چنین بی پروا یک باند دیگر این حکومت از جنایت شهر سده (خمینی شهر) دفاع کرده به آنها حمله میکنند که نباید اینگونه به دفاع از اعمال شان بپردازند و گفته در صورت مشاهده اعمال مفسدانه مملکت قانون دارد،

نیروهای مقدس دارد که خود به اینها رسیدگی میکنند. این سایت نیز تلویحاً تأیید میکند که مهاجمان نیروهای رسمی حکومت بودند: "شما کجای ایران مردی را پیدا می کنید که بپذیرد همسرش و خواهرش را برابند و او موافقت کند، مگر آنکه افراد متجاوز و جنایتکار با پوشاندن صورتها و استفاده از عناوین یک نهاد مقدس خود را به داخل محفل خصوصی مردم رسانده و تلاش کنند تا با ادعای انجام اعمال قانونی حاضرین را ترسانند و سپس نیز با توسل به همین ابزار، مردان را حبس و بانوان را به بهانه انتقال به نقطه ای امن خارج نمایند و با توسل به چاقو و شمشیر آنها را تهدید به قتل نمایند." در همه ایران این نیروهای مقدس حکومت در روز روشن جلو چشم همگان زنان را بخاطر پوشش می ربایند اگر تجاوز نکنند تا آنجا که ممکن ایشان را تحقیر میکنند و سراسر پروسه بازداشت برای فقط حجاب شکنجه روحی و روانی است. وقتی نیروهای ملبس به "نهاد های مقدس" رسماً در خیابان اینکار را

میکند، وقتی رئیس اداره آگاهی این حکومت میگوید قربانیان خودشان مقصرند چون رفتارشان تحریک کننده بوده، نیروهای لباس شخصی هزار بار بیشتر به خودشان حق میدهند که هر کاری بکنند مانند آنچه در شهر سده انجام دادند یا در کرمان زنان و مردان را به قتل رساندند. سایت عبرت نیوز وعده میدهد متهمان دستگیر شده اعدام خواهند شد و این تنها جواب این حکومت است به تجاوزی که خود باعث و بانی آن بوده است. دستگیری متهمان تجاوز دسته جمعی به زنان در شهر سده وقتی عملی شده که مردم این شهر یکپارچه به اعتراض برخاستند و ایشان مجبور شدند که مزدورانشان را دستگیر کنند. با انتشار این نوشته ها در سایت‌های حکومتی هیچ شبهه ای نیست که جنایت اتفاق افتاده کار خود حکومت است و این حکومت باعث و بانی این جنایت‌های سازمان یافته است. این را نیز باید به پرونده جنایات حکومت اضافه کرد.*

از "خط پنج" تا ...

از صفحه ۷

عمل کند. در ایران اگر کسی بخواهد حتی برای تحقق مطالبات صنفی کارگران مبارزه کند باید چارچوب قانونی را زیر پا بگذارد و با دولت سینه به سینه بشود و این مستلزم بمیدان آوردن توده های کارگر و متکی شدن به تشکلهائی از نوع مجمع عمومی و شورا است. تجربه مبارزات جاری کارگری و شکلگیری "خودبخودی" مجمع عمومی در دل این مبارزات - از جمله در تجربه مبارزات کارگران هفت تپه- دقیقاً موبد این واقعیت است.

با اینحال باید حساب گرایشات طرفداران جناحهای حکومت را از مبارزه سندیکائی جدا کرد. بویژه باید توجه داشت طرفداران سیاستهای اقتصادی احمدی نژاد بخاطر سندیکالیسمشان نیست که به این مواضع درغلتنده اند. مساله برعکس است، سندیکا پناهیانشان از خط سیاسی دفاع از "جناح متعارف کننده" حکومت نشات گرفته است.

از نقطه نظر جنبش کارگری امروز این خط و سیاست در تقابل آشکاری با مبارزات و پیشرویها و دستاورهای این جنبش قرار میگیرد. آقای رضا رخشان، که این دوره مباحث با اظهار نظرات ایشان در دفاع از طرح

پایگاهی ندارد. اما از آنجا که این خط میتواند با فراغ بال نظرات پرو رژیمی اش را مطرح کند و فعالین چپ و رادیکال در جنبش کارگری محدودیتهای زیادی در مقابله علنی با این خط دارند وزن و موقعیت این گرایش بسیار بیشتر از آنچه واقعا هست به نظر میرسد. از همین رو مقابله نظری با این گرایش عمدتاً بعهده کمیونستهای خارج از ایران قرار میگیرد. باید در این زمینه بیشتر نوشت و قلم زد. منزوی کردن و حاشیه ای کردن این گرایش هدفی است که حزب ما میتواند و وظیفه دارد نقش تعیین کننده ای در تحقق آن ایفا میکند.

لازم است در خاتمه در مورد حامیان خط دفاع از "جناح متعارف کننده" حکومت در میان محافل و نیروهای چپی که "به نقطه ته خط" رسیده اند نیز توضیحاتی بدهم. نظرات مطرح شده اخیر از زبان یک فعال کارگری با استقبال این جماعت روبرو شد باین دلیل که این نیروها از لحاظ سیاسی مذهبهاست - عده ای از دوره اول ریاست جمهوری خاتمی و سر برآوردن در خرداد و بخشی از دوره احمدی نژاد- حامی اصلاحات و تغییرات تدریجی و متعارف شدن اقتصادی رژیم بوده اند. امروز اینان طرح چنین نظراتی از زبان یک فعال

جنبش کارگری را تاییدی بر سیاستهای اولترا راست خود میبینند و به استقبالش میشتابند. نکته دوم اینست که کارگر پناهی و کارگر زدگی یک خصوصیت محافل و سازمانهای است که خود را چپ و کمونیست میخوانند اما سیاستهای راست و ضد کارگری را نمایندگی میکنند. دفاع عملی از جناحهای حکومتی با ظاهر کارگر پناهی شیوه همیشگی این جماعت بوده است و طبعاً کسی که از درون جنبش کارگری مبلغ این نوع نظرات باشد هر دو این جنبه ها را در خود جمع دارد. هم "خودش کارگر" است و هم طرفدار طرح یارانه ها و متعارف شدن حکومت، و لذا مستحق حمایت دواتشه کارگریناهان راست! کمی هیستری ضد حزب کمونیست کارگری را به این معجون اضافه کنید تا تصویر کامل شود و به شان نزول کارگرپناهیهای اخیر این جماعت پی برید.

از نقطه نظر ما نفس طرح این نظرات اولترا راست، چه از جانب محافل و امانده چپ عنوان بشود و چه از طرف فعالین راست در جنبش

کارگری، در تقابل با سیاستها حزب ما - از سیاست دفاع از مجمع عمومی و جنبش شورائی تا نمایندگی کردن طبقه کارگر در عرصه مبارزه سیاسی و تا دخالتهای فعال در جنبش انقلابی جاری و غیره- بیانگر وزن و نقش تعیین کننده حزب و سیاستهای حزبی در جنبش کارگری و در جنبش انقلابی است. این واقعیت در عین حال نشاندهنده وظیفه خطیری است که در برابر حزب قرار دارد. حزب ما موظف است و این موقعیت و توانائی را دارد که چنین گرایشاتی را در جنبش کارگری و در کل جنبش انقلابی در ایران طرد و منزوی کند و در برابر آن خط مبارزه با کل حکومت و سرنگونی طلبی انقلابی از موضع طبقه کارگر را بعنوان محور مبارزه فعالین و نهادهای جنبش کارگری نمایندگی و تقویت کند. این انتظار و توقع بجای فعالین انقلابی و چپ در جنبش کارگری از حزب ما است. باید این وظیفه را جدی بگیریم و با تمام توان به پیش ببریم.*

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

شش میلیون ریال (ششصد هزار تومان) کمک مالی حوزه انترناسیونال خرداد ماه ۱۳۹۰

اطلاعیه شماره ۱۱۸

شاهرخ زمانی عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری محاکمه شد

روز شنبه ۱ مرداد، شاهرخ زمانی کارگر ساختمانی و از فعالین کارگری شهر تبریز و عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری توسط جانیان اسلامی به محاکمه کشیده شد. به گزارش منتشر شده از سوی کمپین برای آزادی شاهرخ زمانی، زمان این محاکمه آقندر کوتاه بوده است که حتی خانواده وی فرصت نکردند خود را به آنجا برسانند و ملاقاتی با او داشته باشند و وقتی به دادگاه رسیدند که شاهرخ به زندان

انتقال داده شده بود. هنوز نتیجه این محاکمه روشن نیست و فقط منشی دادگاه جمهوری اسلامی اعلام داشته است که پرونده شاهرخ تکمیل شده است. شاهرخ زمانی روز ۱۷ خرداد در حالی که در حال مسافرت بود، در میانه ی راه تهران- تبریز توسط مامورین اطلاعات جمهوری اسلامی از اتوبوس پیاده و دستگیر و زندانی شد. علاوه بر شاهرخ زمانی، محمد جراحی و بیوک سیدلر از فعالین

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد



محمد جراحی



شاهرخ زمانی



بهنام ابراهیم زاده



ابراهیم مددی



منصور اسانلو



رضا شهبای

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla_daneshfar@yahoo.com

شهلا دانشفر

bahram.soroush@gmail.com

بهرام سروش

اطلاعیه شماره ۱۱۹

رضا شهبای کارگر زندانی، زیر فشار دائمی مقامات قضایی جمهوری اسلامی

رضا شهبای باید فوراً از زندان آزاد شود

بنا بر اخبار منتشر شده رضا شهبای عضو هیات مدیره سندیکای واحد زیر تهدید و فشار دائمی مقامات قضایی جمهوری اسلامی قرار دارد. از جمله در هفته گذشته يك مقام اطلاعاتی به رضا شهبای که در بند امنیتی وزارت اطلاعات یعنی بند ۲۰۹ زندان اوین محبوس است، مراجعه کرده و با تهدید با او برخورد نموده است. این بازجو که در سیستم قضایی جمهوری اسلامی کارشناس خوانده میشود! با حالت تهدید و تمسخر به رضا گفته است که اگر برای کارگران مبارزه کرده ای حالا هم تاوانش را پس بده! او نیز پاسخ داده است که من بنا بر وظیفه ام به دفاع از کارگران پرداخته ام و هنوز هم این راه را قبول دارم. از سویی به نظر میرسد مقامات قضایی از جمله قاضی صلواتی که

صریحا هرگونه اقدامی به قصد ایجاد فشار و آزار و اذیت رضا و خانواده اش را انجام میدهد، سعی میکنند با پنهان کردن بهانه ی بازداشت رضا کماکان وی را در زندان نگه بدارند. رضا در ۲۲ خرداد سال گذشته دستگیر شد و با وجود اینکه برای آزادی وی وثیقه ی یکصد میلیون تومانی تعیین شده است، اما صلواتی و دیگر مقامات قضایی تاکنون از تحویل وثیقه توسط خانواده اش خودداری کرده و آنها را برای انجام این کار به دادگاه راه نداده اند و به بهانه عدم تودیع وثیقه از سوی خانواده اش به بازداشت وی در زندان ادامه داده اند. در رابطه با این موضوع خانواده رضا شهبای به مقامات مختلف قضایی از جمله دفتر "جعفری دولت آبادی" دادستان جمهوری اسلامی در تهران مراجعه

اطلاعیه شماره ۱۲۰

حکم پدرام نصراللهی اعلام شد

به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری روز دوشنبه ۳ مرداد حکم پدرام نصراللهی فعالی کارگری و یکی از اعضای این کمیته توسط شعبه ۲ دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی اعلام شد. بنا بر این حکم پدرام به اتهام واهی اجتماع و تبانی به دو سال حبس تعزیری که در مدت ۵ سال تعلیق شده محکوم گردیده است. پدرام در دادگاه جانیان اسلامی در

۲۱ تیر در همین شعبه توسط قاضی طیاری محاکمه گردید. در حاکمیت جمهوری اسلامی برپایی تجمع و اعتراض، ایجاد تشکل و دست زدن به اعتصاب برای حقوق حقه خود جرم است. پدرام به جرم دفاع از خواستهای برحق کارگران محاکمه و حکم زندان گرفته است. باید به این حکم وسیعا اعتراض کرد. کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

http://www.countmein-iran.com

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:
از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

چند خبر از اعتراضات کارگری در ایران

کارگران پتروشیمی های ماهشهر

سه ماه از توافق مدیریت پتروشیمی های ماهشهر و مقامات دولتی با کارگران اعتصابی این پتروشیمی ها مبنی بر عقد قرارداد مستقیم با کارگران از اول مرداد امسال میگذرد و هنوز خبری از اجرای این توافقنامه نیست. طبق گزارشی که اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر کرده است، چند روز مانده به اول مرداد که روز پایان مهلت داده شده به کارفرما بود، مدیریت پتروشیمی بندرامام تلاش کرد که کارگران را وادار به قبول دوماد دیگر مهلت برای عملی کردن توافقات انجام شده کند، اما با مقاومت و زمزمه اعتصاب مجدد در میان آنان مواجه شد. سرانجام طی نشستی که مدیریت شرکت و مسئولین منطقه با نمایندگان کارگران داشتند، اعلام داشتند که در صورت موافقت کارگران با دو ماه مهلت بیشتر که پایان شهریور خواهد بود، ماهانه معادل ۴۰ ساعت اضافه کاری به دستمزد آنان اضافه خواهد کرد.

بنابر آخرین خبرهای منتشر شده در سایت اتحاد، کارگران پتروشیمی بندرامام پس از چند روز صحبت و تبادل نظر نهایتاً با مهلت خواسته شده از سوی کارفرما در قبال تعلق معادل ۴۰ ساعت اضافه کاری به دستمزدهای ماهیانه خود موافقت کردند و با قاطعیت اعلام نمودند این آخرین مهلت آنان به کارفرما خواهد بود و آنان در پایان این دو ماه (آخر شهریور ماه) در قبال هیچ امتیازی از خواست حذف شرکتهای پیمانکاری و عقد قرارداد مستقیم کوتاه نخواهند آمد.

کارگران تراکتورسازی تبریز بعد از ۴ روز اعتراض به تجمع خود پایان دادند

به گزارش ایسنا کارگران شرکت خصوصی آهنگری تراکتورسازی تبریز از اول مرداد با خواستهای اجرایی شدن قرارداد بهروری که در گذشته امضا شده بود، افزایش مدت زمان قرارداد، رسمی شدن کارگران قراردادی با سابقه کاری بالای چهار سال دست از کار کشیدند و با پراپی جمعاعات اعتراضی خواستهای خود را پیگیری شدند. سرانجام روز ۴ مرداد "فرمانداری استان وارد عمل شده و با کارگران به مذاکره نشستند و بدنبال جلسه ای ۵ ساعته با قول برگزاری يك جلسه ویژه

بنابه خبر منتشر شده از سوی انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، ساعت ۷ صبح روز چهارشنبه ۵ مرداد بیش از صد نفر از کارگران پیمانکاری غفوری در اعتراض به عدم پرداخت چهار ماه حقوق معوقه خود دست به اعتصاب زدند. این حرکت اعتراضی ساعت ۱۲ ظهر پایان یافت. پیمانکاری غفوری از پیمانکاران دست سوم در پالایشگاه فاز ۲ شازند اراک و زیر مجموعه شرکت پایندان است. بنا بر خبر غفوری پیمانکار این شرکت ادعا کرده بود که عدم پرداخت حقوق کارگران بخاطر دریافت نکردن پول از شرکت کارفرمای خود یعنی شرکت پایندان است. اما کارگران توجهی به این بهانه ها نداشته و به اعتراضشان ادامه دادند و بر خواست خود پافشاری نمودند. تا اینکه سرانجام حراست شرکت اقدام به مداخله کرده، اما بازهم کارگران وقعی نگذاشتند و پیمانکار را به مواخذه کشیدند. در نتیجه این پافشاری ها بر ملا شد که غفوری علیرغم اینکه پول خود را از شرکت پایندان گرفته است، اما دستمزد کارگران را بالا کشیده است. در نهایت زیر فشار کارگران کارفرما ناگزیر شد که دستمزد فروردین ماه کارگران را تا روز شنبه ۸ مرداد پرداخت کند.

بنابر گزارش دیگری که از سوی انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه منتشر شده است، کارگران شرکت سرآمد صنعت گیلد از پیمانکاران دست سوم پالایشگاه (فاز ۲) نفت شازند اراک که تعدادشان بیش از ۱۲۰ نفر می باشد از اول سال جاری تا کنون هیچ دستمزدی دریافت نکرده اند. مدیر شرکت در جواب به درخواست پرداخت حقوق کارگران، عدم پرداخت صورت وضعیت از جانب کارفرمای خود، یعنی شرکت تناوب را بهانه کرده است.

تجمع اعتراضی کارگران ایرایت شهری

بنابه خبری که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، کارگران ایرایت شهری به دلیل عدم وجود مواد اولیه و

وضعیت ناسامان آن شرکت که در معرض تعطیلی قرار گرفته است در مقابل فرمانداری شهری تجمع اعتراضی برپا کردند. این تجمع کنندگان که نزدیک به ۳۰۰ نفر بودند از ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه ۲۹ تیر با در دست داشتن پلاکارد با شعارهایی خواهان ادامه تولید کارخانه و حفظ کارهای خود شدند. این تجمع تا پایان وقت اداری ادامه داشت. در دیدار فرماندار با نمایندگان کارگران وی قول رسیدگی فوری به این مطالبه کارگران داد.

تجمع کارگران مخابرات راه دور شیراز مقابل مجلس اسلامی

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، ۳۵۰ نفر از کارگران صنایع مخابراتی راه دور (ITI) شیراز، صبح روز ۲ مرداد در اعتراض به عدم دریافت ۲۴ ماه حقوق مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند. کارگران از جمله شعار می دادند: "حق و حقوق کارگر پرداخت باید گردد"، "زندگی معیشت، حق مسلم ماست". پلاکاردهای همراه این کارگران نیز حاوی نوشتههایی از جمله "کمک به ITI یا تعطیلی ITI"، "چرا مصوبات سفرهای استانی اجرایی نمی شود؟"، "بعد از گذشت ۲۶ ماه از مصوبات هیئت دولت و رئیس جمهور کارگر بدون حقوق است" بود.

تجمع اعتراضی بازنشستگان ذوب آهن اصفهان

در خبرها آمده است که بازنشستگان ذوب آهن اصفهان ۳ ماه است حقوق دریافت نکرده اند و علیرغم وعده های مکرر مسئولان کانون بازنشستگی هنوز هم حقوق آنها پرداخت نشده است. در این اخبار آمده است که در ابتدای هفته بیش از ۲۰۰ نفر از این بازنشستگان در مقابل کانون بازنشستگی ذوب آهن در اصفهان تجمع کردند و ضمن اعتراض به اینکه ۳ ماه حقوق دریافت نکرده اند تاکید کردند که در صورت عدم دریافت حقوق به تجمع خود در همین مکان ادامه می دهند.

اعتصاب کارگران کارخانه نوپوش

بنابه خبر منتشر شده کارگران کارخانه نوپوش در شهر صنعتی رشت که وابسته به نساجی ایران برك و حدود ۲۵۰ کارگر دارد، به علت ۸ ماه دستمزد معوقه از تاریخ ۶ تیر دست به اعتصاب زدند. کارگران عیدی و پاداش و مزایای پایان سالهای ۸۸ و

۸۹ را نیز طلب دارند. مدیریت کارخانه در تاریخ ۲۰ تیر از ورود کارگران اعتصابی به کارخانه ممانعت کرد. کارگران با این حال وارد کارخانه شدند و به اعتصاب خود ادامه دادند. طبق آخرین خبری که منتشر شده است، کارگران يك ماه از هشت ماه دستمزد معوقه را دریافت کرده اند و فعلاً به اعتصاب خود پایان داده اند. مدیریت همچنین وعده داده است که در ۵ مرداد بخش دیگری از مطالبات معوقه به کارگران را پرداخت خواهد کرد.

کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی کاشان، ۴ ماه در اعتصاب

طبق خبری که سایت دولتی "جهان نیوز" منتشر کرده است، "کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی کاشان حدود ۳۳ ماه است حقوق خود را به طور کامل دریافت نکرده اند و معوقه دارند و حدود ۴ ماه است که در اعتصاب به سر برده و طبق گفته کارگران این کارخانه ۱۱۹۰ نفر که در این کارخانه در حال کار بوده اند هم اکنون بیکار هستند". در ادامه این خبر آمده است: یکی از کارگران این کارخانه گفته است که ما برای گرفتن حق و حقوق خود طومار تهیه کرده و این مشکل را به مسئولین استانی از جمله فرماندار، مدیر کل کار استان اصفهان، استاندار و امام جمعه کاشان گفته اند و نامه هایی را هم به وزیر کار و امور اجتماعی و نمایندگان مجلس نوشته و فرستاده ایم ولی هیچ يك پاسخی به این موضوع ندادند.

تجمع اعتراضی کارگران نساجی مازندران

روز ۶ مرداد کارگران نساجی مازندران برای چندمین بار در مقابل استانداری این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران خواهان ده ماه دستمزد پرداخت نشده و ۲ ماه پاداش خود که معادل ۴ ماه حقوق می باشد، هستند. در حرکات اعتراضی قبلی طبق وعده ای که نماینده استاندار، مدیر کل اداره کار، نماینده صنایع و معادن، مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره شرکت نساجی و

رئیس اطلاعات در نشست با کارگران داده بودند، قرار بود که مدیر عامل شرکت طبق طبق زمانبندی طلب های کارگران را پرداخت کند. اما هیچ اقدامی در این جهت صورت نگرفته و از اینرو کارگران دوباره دست به این تجمع اعتراضی زدند. یکی از کارگران معترض در گفتگو با خبرنگار شمال روز میگوید: "کارگران طبرستان شرکت نساجی که ۲۸۵ نفر می باشند و در روزگاری بازوهای پرتوان این شرکت بودند از هیچ گونه امتیازی برخوردار نیستند". او ادامه میدهد: "با توجه به اینکه ۱۴ ماه از معوقات کارگران را پرداخت نکردند اما بیش از ۱۵۰ نفر نیروهای نور چشمی آقایان را جذب کردند و حقوق آنها به موقع پرداخت می کنند.

یکی دیگر از همین کارگران با اشاره به اینکه طبق هماهنگی های به عمل آمده بین شورای تامین، بانک ملت و بانک ملی برگزار شده بود ۳ ونیم میلیارد برای پرداخت حقوق کارگران به شرکت وام پرداخت شده بود که فقط ۲ و نیم میلیارد آن بین کارگران تقسیم شد و از مابقی آن کسی باخبر نیست.

کارگر دیگری با اعتراض میگوید: "برخی از کارگران بدلیل نداشتن کرایه نتوانستند در این تجمع شرکت کنند تا از حق خود دفاع کنند". و ادامه میدهد: "با توجه به اینکه فصل هندیانه در حال اتمام است برخی از کارگران قدرت خرید يك هندیانه برای فرزندان خود را ندارند اما کارفرماها زیر کولر ماشین خود برای ما دست تکان دهند و به ما می خندند. او میگوید: "۴ ماه است که برای خرید نان جلوی نانوا گردن کج می کنم و نسیم نان به فرزندان خود می دهم". و می افزاید: "یکی از این کارگران بدلیل عدم توان پرداخت کرایه تاکسی و پول توجیبی فرزند خود را از دانشگاه بیرون آورده که فرزند وی به این دلیل دچار افسردگی شده است و ادامه میدهد: "ما انسانیم و نیاز به زندگی کردن داریم و می خواهیم این حق را از ما نگیرند."*

Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلاهی بدل میشود!

دعوت وبلاگ نویسان جوان عرب به روزه خواری در ملا عام دیوار سکوت را می شکنیم، در ملا عام روزه خواری میکنیم!



کاظم الغزالی اکنون در ژنو زندگی میکند. او در مراکش در یک خانواده مذهبی متولد شده و بتدریج در دبیرستان سوالات زیادی در مورد مذهب و اسلام و فلسفه داشته و در وبلاگ خود از این یاس و از این سوالات حرف زده و در نهایت گفته از اسلام دست کشیده است. باندهای اسلامی او را تهدید به مرگ کرده اند. پلیس مراکش به او گفته هیچ مسئولیتی در قبال دفاع از او به عهده نمیگیرد. کاظم در فوریه ۲۰۱۱ مجبور به ترک مراکش شده و اکنون در سوئیس زندگی میکند. در گفتگوی تلفنی که امروز دوشنبه ۲۵ ژوئیه با کاظم داشتیم، می گفت که خود را اکس مسلم میدانند و میخواهد از او و جوانان در مراکش و مصر و لیبی و سودان و ...

دفاع کنیم. اینها به یک جنبش اعتراضی دست زده و از مردم دعوت کرده اند، امسال ماه رمضان که بزودی شروع میشود را به یک ماه اعتراض علنی علیه اجبار به روزه گرفتن تبدیل کنند. کاظم میگوید "آزادی مذهب یک امر شخصی است که در مراکش به آن احترام نمیگذارند". "ما در بسیاری از کشورهای عرب زبان آزادی نداریم. ما زندگی دو گانه ای داریم. در خانه و در درون افکار و تفکرات خودمان نوعی و در بیرون باید نقش دیگری بازی کنیم. این درست نیست. در کشورهای عرب زبان این قانون حکمروایی میکند یکبار مسلمان، همیشه مسلمان، ما هزاران نفر هستیم که اینرا قبول نداریم و علیه آن فعالیت میکنیم".

کاظم میگوید از وقتی فیس بوک هست ما همدیگر را در دنیای مجازی پیدا میکنیم. با تشکر فراوان از این مدیای اجتماعی که به ما نشان میدهد تنها نیستیم، ما بسیاریم".



بدرنگ این فراخوان، یک گروه از وبلاگ نویسان مراکشی کمپینی در مراکش اعلام کرده اند با این عنوان، "روزه در رمضان یا روزه خواری در رمضان، ما همه مراکشی هستیم". در یک مصاحبه با تلویزیون الجزیره



نجیب کاوکی از فراخوان دهندگان این حرکت میگوید ما این کمپین را اعلام کرده ایم تا آرتیکل ۲۲۲ در قانون اساسی مراکش ملغی شود. طبق این آرتیکل در ماه رمضان روزه خواری در مراکز عمومی کار و فعالیت اجتماعی ممنوع است. روزه خواران مجازات میشوند.

تعدادی از لینکهای مربوط به این فراخوان و فعالیتهای کاظم الغزالی

<http://bahmut.blogspot.com/>
<http://bahmut.blogspot.com/>
<http://www.youtube.com/user/emkacel>

جنبش علیه دخالت اسلام و مذهب در زندگی مردم، یک جنبش قوی در کشورهای اسلام زده است. نسل جوان با اتکا به امکانات اینترنتی و فیس بک و توئیتر، حاضر نیست به سنتها و مقررات ۱۴۰۰ سال پیش تمکین کند، فکر نکنند و دنبال پاسخ سوالاتش نگردند. دوران تسلط اسلام و سنتهای ضد آزادی اندیشه و تفکر و تعقل به پایان رسیده است. بویژه امروز با انقلابات گسترده و میلیونی در منطقه و با مبارزه قهرمانانه علیه دولتهای دیکتاتور و

اسلامی، زمینه برای مذهب زدایی و خلاصی فرهنگی بسیار فراهم تر است.

از این حرکت جوانان در کشورهای اسلام زده باید دفاع کرد. جوانان در ایران با تجاری که از زندگی تحت حاکمیت حکومت فاشیست اسلامی به دست آورده اند، در صف اول اعتراض و مبارزه علیه دخالت قوانین و سنتهای اسلامی در زندگی خود هستند. باید به این حرکت مهم جوانان در کشورهای عرب زبان پیوسته و همبسته با آنها برای پس راندن مذهب و اسلام و برای سرنگونی حکومتهای دیکتاتور و اسلامی پیش رفت و برای یک آینده انسانی و بهتر و برای زندگی آزاد و شاد اقدام کرد.

مینا احدی
کلن - ۲۵ ژوئیه ۲۰۱۱

هنر شان، کشتن است و بس!

زمینه چینی برای اعدامهای بیشتر، احتمال اعدام یک جوان ۱۷ ساله در ملا عام



خواست دستگاه قضایی و جنایتکاران حکومت اسلامی ایران است. میخواهند فوراً او را در همان محلی که ظاهراً یک نفر را به قتل رسانده در ملا عام اعدام کنند تا قدر قدرتی خود را به جوانان نشان دهند.

یک حادثه و یا یک واقعه در تهران باعث مرگ یک ورزشکار سرشناس ایرانی شد و فوراً دستگاههای حکومتی به تقلا افتاده و قبل از اینکه تحقیقی شود و دادگاهی تشکیل شود، قبل از اینکه واقعا معلوم شود چه کسی این قتل را انجام داده سه جوان را دستگیر کرده و یکی از آنها را که ۱۷ سال سن دارد، قاتل معرفی کرده و اکنون صحبت از اعدام "متهم" قبل از چهارم روح الله داداشی و صحبت از اعدام یک نوجوان زیر سن ۱۸ سال در ملا عام است.



روزی نیست که خبر محکومیت به اعدام و یا به قتل رساندن تعدادی در ایران نشنوم. محسنی اژه ای دادستان

جان باخت. او اهل بوکان و عضو یکی از احزاب سیاسی اپوزیسیون حکومت اسلامی بود. او را با بیماری سختش تنها گذاشته و مانع مداوایش شدند تا جان باخت. این یک روش جدید در اعدام و قتل عمد در زندانها است. خانی زاده، اولین قربانی حکومت اسلامی نبود. در چند ماه گذشته چند فعال سیاسی مبتلا به سرطان و یا بیماریهای قلبی در زندان جان باختند و حکومت جنایتکار اسلامی مانع رسیدن دارو و درمان به این افراد شده و علناً باعث مرگ آنها شد.

زندانها در ایران با تراکم جمعیتی زیاد، با نبود استاندارد های بهداشتی وامنیتی، با شیوع بیماریهای واگیردار و تعرض و تجاوز و بی حرمتی و شکنجه و اعدام، قتلگاه هزاران زندانی

سیاسی و یا زندانیان عادی است. حکومت اسلامی ایران، حکومت دیکتاتوری و اعدام و جنایت است. این حکومت در مقابل مردم و جوانانی که آنها را قبول ندارند، به اعدام و جنایت بیشتر دست میزند. برای مقابله با این جنایات باید تکلیف این حکومت را روشن کرد. حکومت اسلامی باید سرنگون شود. این با مبارزه متحدانه ما مردم امکان پذیر است. اینها جز جنایت و قتل و چشم در آوردن و سنگسار، هنر دیگری ندارند. قتل و جنایت تنها حربه این جلاان در مقابله با مردمی است که جانشان از این حکومت به لب رسیده و برای سرنگونی آن روز شماری میکنند.

مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام-۲۶ ژوئیه ۲۰۱۱

International Committee Against Stoning (<http://stopstoningnow.com>)

International Committee Against Execution (<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:

Spokesperson: minaahadi@aol.com 0049-177-569-2413

اساس سوسیالیسم انسان است!



اطلاعیه در محکومیت جنایت تروریستی در نروژ

جنایت روز ۲۲ ژوئیه در دو نقطه نروژ که به مرگ حداقل ۹۲ نفر منجر شده است، نه تنها جامعه نروژ را تکان داد و مردم این کشور را شوکه کرد بلکه قلب میلیونها انسان در سراسر جهان را عمیقا به درد آورد. ۸۵ نفر از قربانیان این اقدام ضد انسانی، نوجوانان ۱۴ تا ۱۸ ساله از اعضای سازمان جوانان حزب کارگر نروژ بوده اند. در این رابطه يك فرد ۳۲ ساله

بستگان و دوستان قربانیان این فاجعه تسلیت میگویییم و عمیقا خود را در غم و اندوه آنها شريك میدانیم. ۲۳ ژوئیه ۲۰۱۱

تمام قوا قد علم کند و از حقوق برابر برای همه مردم جهان دفاع کند. ما اعضای حزب کمونیست کارگری ایران در نروژ صمیمانه به

"قوانین ضد تروریسم" محدود کرده اند! نازیسم و نژاد پرستی باید از لحاظ سیاسی عرصه را هر چه بیشتر بر خود تنگ ببیند تا نتواند مولد آدمهایی نظیر آندرس برینگ برویک باشد. جامعه ای که در آن به انسانها بر اساس ارزشهای برابر و یکسان برخورد می شود و تبعیض و نابرابری جایی ندارد، بطور قطع زمینه ساز چنین جنایاتی نیز نمی تواند باشد.

نژاد، جنسیت، قومیت و مذهب اش محور قرار می دهد. تعریف و تعیین چنین ارزشهایی مرز کشوری یا مهین نمی شناسد و از این رو نسبی نیست بلکه تنها می تواند جهانشمول باشد. تاکنون حکومتهای اروپایی برای مقابله با تروریسم به جای تعرض به پایه های سیاسی آن تفکرانی که نهایتا منجر به خشونت راسیستی می شود، از فرصت استفاده کرده و حقوق مدنی شهروندان را تحت عنوان

گسترش ناپساامانهای اقتصادی و اجتماعی شانه خالی کنند و تقصیر را به گردن "بیگانگان" بیاندازند. موضوعی که بازتاب آنرا در تصویب قوانین علیه خارجیان و یا تصویب و اجرای سیاستهای بسیار سختگیرانه پنهانده پذیری می توان دید. در چنین فضایی که با غیرقابل نفوذتر کردن اروپا و تقویت ایده های اروپا محوری توأم بوده است بسیاری از مردم آسیا و اروپا در رویای یافتن زندگی بهتر یا در دریاها و کانتن کامیونها جان باخته اند و یا شرایط برماتب سختتری را تجربه کرده اند. تمام افکار "ملی گرایانه افراطی" و یا "بنیادگرایانه مسیحی" که در مانیفست ۱۵۰۰ صفحه ای آندرس برینگ برویک بیان شده به درجات زیادی بخشی از پلاتفرم احزاب و جریانات راسیستی در اپوزیسیون و یا در قدرت در کشورهای اروپایی است. شرط اول جلوگیری از بروز جنایاتی نظیر آنچه در نروژ روی داد این است که به جنگ افکار و باورهای رفت که با ملاک قرار دادن هویتهای کاذب ملی و قومی و مذهبی، خاک بر هويت انسانی آدمها می پاشند و کارکردهای فاجعه بار چنین باورهایی را به همگان گوشزد نمود. با محور قرار دادن هويت جهانشمول انسان باید به جنگ عقایدی رفت که میان انسانها تفرقه می اندازند و جداسازی را بجای همبستگی میان انسانها موعظه می کنند. در مقابل انتقاد راسیستها به جوامع مالتی کالچرالیسم و دفاع آنها از "فرهنگ ملی و اروپایی" باید از موازین پیشرویی دفاع کرد که بشریت مترقی تاکنون در دنیا بدان دست یافته است. باید از ارزشهایی به دفاع برخاست که انسان را فارغ از

در مورد جنایت فاشیستی در نروژ

حسن صالحی



جنایت راسیستی ۲۲ ژوئیه با ابراز انزجار بشریت متمدن از این اقدام وحشیانه تروریستی و ابراز همدردی با خانواده ها و بستگان قربانیان این حادثه ناگوار روبرو شده است. قربانیان این فاجعه انسانی از جمله دهها جوان و نوجوان هستند که در اردوی تابستانی سازمان جوانان حزب کارگر نروژ (حزب حاکم) در جزیره اوتویا شرکت کرده بودند.

آندرس برینگ برویک که متهم به ارتکاب این جنایت است در محل این اردو به "شکار" جوانان پرداخت و با قساوت تمام ۶۸ جوان را با شلیک گلوله از پای در آورد. او ساعاتی پیش از آن با منفجر کردن يك بمب بسیاری قوی، مرکز اسلو (پایتخت نروژ) را مبدل به منطقه جنگی ساخته و جان ۸ انسان دیگر را قربانی گرفت و شماری را مجروح ساخت. این اقدام جنایتکارانه تروریستی که بعد از جنگ جهانی دوم بزرگترین فاجعه انسانی در کشور نروژ به شمار می رود مجموعا ۷۶ نفر کشته و نزدیک به ۱۰۰ نفر زخمی بر جای گذاشته است.

بسیاری از مردم از خود می پرسند که برای جلوگیری از بروز چنین جنایاتی چه باید کرد و چگونه می توان جامعه را از خطر فاشیسم و جنایات آن مصون داشت؟

قبل از هر چیز باید تاکید کنیم که جنایت فاشیستی نروژ اتفاقی در آسمان صاف نیست و حتی در کشورهای غربی موردی منحصر به فرد نیست. به یاد بیاوریم که در سال

اعتراض مردم به اوضاع بد اقتصادی در اسپانیا

به گزارش Euro News مادرید روز شنبه ۲۳ ژوئیه بار دیگر شاهد حضور جوانانی بود که در اعتراض به اوضاع بد اقتصادی به خیابانها آمدند. بسیاری از این جوانان که خود را ایندیگنادوز یا خشمگینها می نامند سفر خود را از شهرهای دیگر به سمت پایتخت ماه گذشته آغاز کردند. شماری از آنها با پای پیاده خود را به مادرید رساندند. یکی از شرکت کنندگان در تجمع روز شنبه می گوید: "این جنبش بسیار مفید است. به نظر من حالا وقتش است که به خیابانها بیایم تا علیه سوء استفاده هایی که می شود اعتراض کنیم. تا قدرتهای اقتصادی

را وادار کنیم سوء استفاده های خود را متوقف کنند. مردم کار می خواهند. آنها منزلت اجتماعی می خواهند و از این که به آنها بی توجهی می شود و احساس می کنند آینده روشنی ندارند خسته شده اند." اعتراضهای خیابانی در اسپانیا دو ماه قبل و پیش از انتخابات محلی آغاز شد. میزان بیکاری در اسپانیا به بالاترین حد خود در چهارده سال اخیر رسیده است و تقریبا نیمی از جوانان زیر ۲۵ سال بیکار هستند. دولت در دو سال گذشته مالیاتها را افزایش و حقوق کارمندان را کاهش داده است.

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهاب دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!